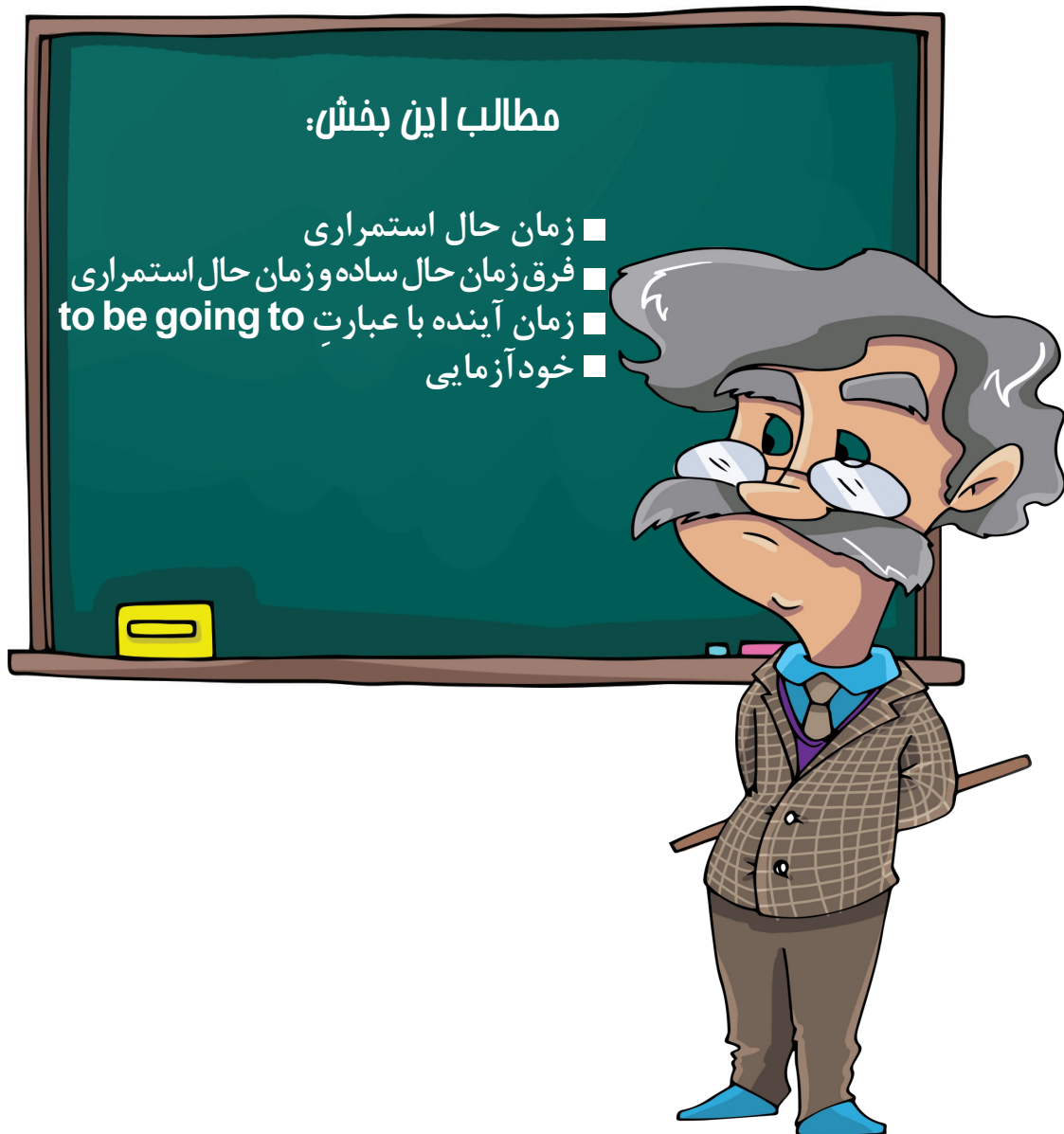




## فصل ۱۱

### مطالب این بخش:

- زمان حال استمراری
- فرق زمان حال ساده و زمان حال استمراری
- زمان آینده با عبارت **to be going to**
- خودآزمایی





## The Present Continuous Tense / ا. زمان حال استمراری

این زمان برای بیان عملی به کار می‌رود که در زمان حال، در حال انجام شدن است و هنوز عمل تمام نشده است. **مثال:**

Jack **is eating** an ice-cream now.

جک اکنون در حال خوردن بستنی است.

The children **are playing** football now.

بچه‌ها اکنون مشغول بازی فوتبال هستند.

They **are watching** TV now.

آن‌ها اکنون مشغول تماشای تلویزیون هستند.

He **is eating** his breakfast now.

او اکنون در حال خوردن صبحانه‌اش است.

**طریقه ساختن زمان حال استمراری:** برای ساختن این زمان از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

فاعل + **am / is / are** + فعل **ing**

**مثال:** فعل **to play** (بازی کردن) را در این زمان صرف می‌کنیم.

مفرد	جمع
I am playing من مشغول بازی هستم	We are playing ما مشغول بازی هستیم
You are playing تو مشغول بازی هستی	You are playing شما مشغول بازی هستید
He She It } is playing او مشغول بازی است آن مشغول بازی است.	They are playing آنها مشغول بازی هستند

**طریقه منفی کردن زمان حال استمراری:** برای منفی کردن این زمان کلمه **not** را بعد از **am**، **is** و **are** قرار می‌دهیم. **مثال:**

They are working now.

آن‌ها اکنون در حال کار کردن هستند.

They are **not** working now.

آن‌ها اکنون در حال کار کردن نیستند.

**طریقه سؤالی کردن زمان حال استمراری:** برای سؤالی کردن این زمان یکی از افعال **am**، **is** و **are** را قبل از فاعل قرار می‌دهیم. **مثال:**

Tom is drinking tea now.

تام اکنون مشغول نوشیدن چای است.

**Is** Tom drinknig tea now?

آیا تام اکنون مشغول نوشیدن چای است؟



## موارد استفاده زمان حال استمراری

**الف-** این زمان معمولاً با قیدهای زیر به کار می‌رود:

at present

now

for the time being

at the moment

در حال حاضر

اکنون

فعلاً، عجتالماً

در این لحظه

**مثال:**

The children are playing **now**.

بچه‌ها الآن در حال بازی هستند.

**At present**, David is studying English.

در حال حاضر دیوید مشغول مطالعه‌ی انگلیسی است.

**For the time being**, she is writing a letter.

فعلاً او مشغول نوشتن یک نامه است.

They are playing football **now**.

آن‌ها الآن دارند فوتبال بازی می‌کنند.



**ب-** بعد از جملات امری هشدار دهنده زمان حال استمراری به کار می‌رود. **مثال:**

**Be quiet!** The baby is sleeping.

ساکت باش! بچه دارد می‌خوابد.

جمله امری

زمان حال استمراری

**پ-** اگر این زمان با قید زمان آینده همراه باشد بیانگر انجام قطعی کاری در آینده نزدیک خواهد بود. **مثال:**

I am leaving for Shiraz **tomorrow**.

من فردا عازم شیراز خواهیم بود.

I am traveling **tonight**.

امشب می‌روم سفر.

ب- این زمان همراه با صفت تفضیلی برای عملی به کار می‌رود که تدریجاً انجام می‌گیرد. **مثال:**

It is getting **colder** and **colder** each day. روز به روز هوا سردتر می‌شود.

پ- بعضی از افعال به صورت استمراری به کار نمی‌روند زیرا این افعال حالت یا عملی را نشان می‌دهند که تحت اختیار انسان نیست. به عنوان مثال فعل **see** (دیدن)، فعل غیرارادی است و به صورت "I am seeing" به کار نمی‌رود ولی فعل **look** (نگاه کردن) چون ارادی است می‌تواند به صورت "I am Looking" به کار رود. مهم‌ترین افعالی که به صورت استمراری به کار می‌روند، عبارتند از:

smell	بو دادن	hear	شنیدن
know	دانستن	notice	ملاحظه کردن
see	دیدن	believe	باور کردن
understand	فهمیدن	forget	فراموش کردن
wean	معنی دادن	wish	مایل بودن
forgive	بخشیدن	remember	به خاطر آوردن
love	دوست داشتن	like	دوست داشتن
seem	به نظر رسیدن	hate	منتفر بودن



معمولاً آنچه ذهنی است (به ذهن مربوط) است مثل **like** (دوست داشتن) به صورت استمراری به کار نمی‌رود، چون عمل نیست که آن را ادامه دهیم. **مثال:**  
 I **love** flowers. من گل خیلی دوست دارم.  
 Most cats **hate** water. اکثر گربه‌ها از آب متنفرند.

ت - هرگاه قید **there** یا **here** در ابتدای جمله به کار رود، در این صورت زمان حال استمراری به کار نخواهد رفت و از زمان حال ساده استفاده خواهد شد. **مثال:**

**Here** comes the bus. بفرمایید اتوبوس آمد. این هم (از) اتوبوس.

**There**, it comes. اون‌هاش آمد.

ج- هنگامی که بخواهیم بگوییم چیزی اغلب و (احتمالاً) به شکل غیرمنتظره‌ای رخ می‌دهد، در این حالت کلمات **always** را با زمان حال استمراری به کار می‌بریم. **مثال:**

**She's always meeting** Peter in the Red Lion. (We meet there often, but by accident.)

همیشه دارم پیتر را در «رد لیون» می‌بینم. (اما اغلب تصادفی یکدیگر را می‌بینیم.)



این ساخت را برای صحبت درباره‌ی چیزهای ناراحت کننده و زنده‌های که مکرر رخ می‌دهند نیز به کار می‌بریم.  
همیشه اسم دیگران یادم می‌رود.  
**I'm always forgetting** people's name.

به کاربرد زمان حال استمراری در لطفه زیر توجه نمایید.



a Joke / لطفه

Fighting دعا



Mr. Smith: "What **are you running** for, Sonny?"  
Boy: "**I'm trying** to stop two boys from fighting."  
Mr. Smith: "Who are the two boys?"  
Boy: "They're Johnny Jones and me."

آقای اسمیت: «بچه جون، چرا دارای می‌دوی؟»  
پسر: «می‌خواهم جلوی دعوی دو پسر را بگیرم.»  
آقای اسمیت: «آن دو پسر چه کسانی هستند؟»  
پسر: «آن‌ها جانی جونز و من هستند.»



## ۲. فرق زمان حال ساده و زمان حال استمراری

زمان حال ساده برای بیان عملی به کار می‌رود که به صورت تکرار و عادت انجام شود. **مثال:**

We **go** to the park every week.

ما هر هفته به پارک می‌رویم.

زمان حال استمراری برای بیان عملی به کار می‌رود که در همین لحظه اتفاق می‌افتد و در

ضمن برای بیان عملی که ناقص و موقتی است نیز از این زمان استفاده می‌شود. **مثال:**

Alic **is washing** the dishes now.

آلیس اکنون ظرف‌ها را می‌شوید.



در جمله فوق عمل شستن ظرف‌ها ادامه دار و هنوز تمام نشده است، به مثال‌های تصویری زیر توجه نمایید.



She usually drinks tea in the morning.

او معمولاً صبح‌ها چای می‌نوشد.

But this morning, she is drinking coffee now.

اما اکنون امروز صبح قهوه می‌نوشد.



در جمله‌ی فوق، قسمت اول جمله به شکل زمان حال ساده است زیرا عمل نوشیدن چای بر حسب تکرار و عادت است، در قسمت دیگر جمله زمان حال استمراری به کار رفته زیرا عمل نوشیدن قهوه به صورت موقتی است.

استاد چرا افعالی مثل **know** ، **like** ، **understand** و ... به صورت استمراری به کار نمی‌زن؟



چون این افعال مربوط به ذهن هستند و عمل نیستند که ادامه داشته باشند. ما نمی‌تونیم بگیم که «من مشغول دوست داشتن هستم.» بعضی از افعال هم مثل **hear** ، **see** و ... غیرارادی هستند و عمل در یک لحظه رخ می‌ده، پس نمی‌تونیم. اونا رو به صورت استمراری به کار ببریم.

### ۳. زمان آینده با عبارت **to be going to**



عبارت **to be going to** به معنی «قصد داشتن»، «خواستن»، «تصمیم داشتن» طبق الگوی زیر برای نشان دادن زمان آینده به جای **will** به کار می‌رود.

فاعل ساده + **am/is/are + going to** + فعل

#### مثال ۱:



Paul **is going to** blow out the candles.

= Paul **will blow out** the candles.

پل می‌خواهد شمع‌ها را فوت کند.

### مثال ۲:

I **am going to** play football. =

I **will play** football.

می‌خواهم فوتبال بازی کنم.



هرگاه کاری را از قبل برنامه‌ریزی کرده باشیم و بخواهیم آن را در آینده انجام دهیم از عبارت **to be going to** به جای **will** استفاده می‌کنیم. **مثال:**

I am going to resign.

تصمیم دارم استعفا بدهم.

My mother is going to bake a cake.

مادرم می‌خواهد یک کیک بپزد.



گاهی می‌گوییم چیزی رخ خواهد داد زیرا که اکنون می‌توانیم ببینیم که دارد رخ می‌دهد؛ برای گفته خودمان (شاهدی در زمان حال) داریم. در این حالت، اغلب **to be going to** را به کار می‌بریم. **مثال:**

Look - it's **going to rain**.

نگاه کن. - می‌خواهد باران بیاید.



در شکل گذشته **to be going** به جای **am** و **is** و **are** از **was** و **were** استفاده می‌شود. شکل گذشته **to be going to** برای بیان عملی به کار می‌رود که قصد انجام آن را داشتیم اما عمل انجام نشده است. **مثال:**

I **was going to** buy a new car.

قصد داشتم یک اتومبیل جدید بخرم.

They **were going to** leave for London.

آنها می‌خواستند عازم لندن شوند.

Henry **was going to** buy a new laptop.

هنری می‌خواست یک لپ‌تاپ جدید بخرد.





مکالمه / Conversation



**A:** How long will you be in New York?

چه مدت در نیویورک خواهید بود؟

**B:** I'll be here about two weeks.

در حدود دو هفته اینجا خواهیم بود.

**A:** Where are you going to stay?

کجا می‌خواهی بمانی؟

**B:** I'm going to stay at Madison Hotel.

می‌خواهم در هتل مدیسون بمانم.



فودآزمایی / Test Yourself

تمرین ۱



شکل زمان حال استمراری فعل‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی به کار ببرید.

1. The bus ..... (stop) for us now.
2. Listen! I think the telephone ..... (ring).
3. Please be quiet! The baby ..... (sleep).
4. The leaves ..... (begin) to fall from the trees.
5. At present they ..... (travel) in South America.

6. For the time being, Mr. Collins ..... (act) as manger of this department.

### تمرین ۲



جاهای خالی را با فعل‌های داخل پرانتز **to be going to** کامل کند.

1. She ..... (drive) to California.
2. They ..... (go) to Europe by plane.
3. I believe it ..... (to rain)
4. Tom ..... (study) to be a doctor.

### تمرین ۳



در جمله‌های زیر به جای **intended** و **planned** از شکل گذشته **to be going to** استفاده کنید.

1. We **inteded** to go swimming, but the weather was too cold.
2. We **planned** to go by car but finally decided to go by plane.
3. They **planned** to go to the theater but they were too late.
4. I **intended** to return your book today but I left it at home?

### تمرین ۴



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. **Peter ..... to Helen at the moment.**

a) talked	b) is talking
c) will talk	d) talks
2. **Look! It ..... to rain.**

a) begins	b) will rain
c) begin	d) is beginning
3. **They ..... married in June but then waited until October.**

a) are going to get	b) were going to
c) will get	d) got

4. We ..... up early tomorrow morning and go fishing.

- a) got    b) to get  
c) are getting                                    d) are going to get

5. She sometimes ..... fried chicken.

- a) eats    b) is eating  
c) will eat                                        d) is going to eat

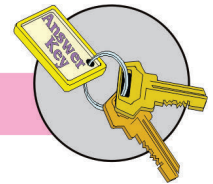
### تمرین ۵



معادل‌های انگلیسی جمله‌های زیر را بنویسید.

۱. تصمیم دارم یک اتومبیل جدید بخرم.
۲. می‌خواستم بدمینتون بازی کنم، اما خسته بودم.
۳. چرا داری گریه می‌کنی؟
۴. نگاه کن! - دارد برف می‌بارد.
۵. جک همیشه صبح‌ها نان و پنیر می‌خورد.

## Answer Key / پاسخ فوآزمایی



### تمرین ۱



- |                  |                   |                |
|------------------|-------------------|----------------|
| 1. is stopping   | 2. is ringing     | 3. is sleeping |
| 4. are beginning | 5. are travelling | 6. is acting   |

### تمرین ۲



1. She is going to drive to California.
2. They are going to go to Europe by plane.

3. I believe it is going to rain.
4. Tom is going to study to be a doctor.

### تمرین ۳



1. We were going (We were going to go) ... .
2. We were going (We were going to go) ... .
3. They were going (They were going to go) ... .
4. I was going to ... .

### تمرین ۴



۱. (b) که عبارت **at the moment** (در این لحظه) معرف زمان حال استمراری است.
۲. (d) که بعد از جمله امری هشدار دهنده (**Look**) زمان حال استمراری به کار می‌رود.
۳. (b) که چون در طرف دوم جمله زمان گذشته ساده (**waited**) به کار رفته است، لذا با توجه به مطابقت زمان‌ها از زمان گذشته **to be going to** استفاده می‌کنیم.
۴. (d) که قید زمان **tomorrow** (فردا) نشان‌دهنده زمان آینده است.
۵. (a) که قید تکرار **sometimes** (بعضی اوقات) بیانگر زمان حال ساده است.

### تمرین ۵



1. I am going to buy a new car.
2. I was going to play badminton but I was tired.
3. Why are you crying?
4. Look! It is snowing.
5. Jack always eats bread and cheese in the morning.



# فصل ۱۲

مطالب این بخش:

- قید حالت
- فرق **well** و **good**
- اعداد ترتیبی
- تاریخها
- خودآزمایی





## ۱. قید حالت / Adverb of Manner

**تعریف قید:** قید کلمه‌ای است که فعل، صفت و یا قید دیگری را توصیف می‌کند. **مثال:**

Tom walks slowly.  
 قید      فعل

تام آهسته قدم می‌زند.

Tom is very good.  
 قید      صفت

تام خیلی خوب است.

Tom works very well.  
 قید      قید

تام خیلی خوب کار می‌کند.

**قید حالت:** برای نشان دادن حالت و چگونگی انجام کار مورد استفاده قرار می‌گیرد. **مثال:**

George runs **quickly**.

جورج سریع می‌دود.



قید حالت در جواب سؤال **How** (چطور) واقع می‌شود. **مثال:**

A: Jack walks **slowly**.

جک به طور آهسته قدم می‌زند.

B: How does he walk?

او چطور قدم می‌زند؟

A: **Slowly**.

به طور آهسته. (قید حالت)

به مثال‌های تصویری زیر توجه کنید:



He ate his dinner very **quickly**.

او شامش را خیلی سریع خورد.

طریقه ساختن قید حالت: برای ساختن قید حالت پسوند "ly" را به آخر صفت اضافه می‌کنیم.

قید حالت = ly + صفت

مثال:

<u>صفت</u>	<u>قید حالت</u>	
بد	bad + ly ... badly	به طور بد، بد
دقیق	careful + ly ... carefully	با دقت، با احتیاط
آهسته	slow + ly ... slowly	به کندی، به آهستگی

**قاعده دیکته:** هرگاه کلمه‌ای به y ختم شود و قبل از y حرف بی‌صدا وجود داشته باشد، با اضافه شدن پسوند ly، حرف y به i تبدیل می‌شود. مثال:

به آسانی easy + ly ... easily



بعضی از قیدها بی‌قاعده هستند و ly نمی‌گیرند. مثال:

صفت	قید
hard	hard
fast	fast



**محل قرار گرفتن قید حالت:** قید حالت بعد از فعل یا مفعول قرار می‌گیرد:

قید حالت + فعل + فاعل

Ali works hard.  
قید حالت فعل

مثال: علی به سختی کار می‌کند.

قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

مثال:

Hamid does his homework carefully.  
قید حالت مفعول

حمید تکالیفش را با دقت انجام می‌دهد.



اگر فعل جمله، فعل حرکتی جهت‌دار مانند ( come, go و ... ) باشد، بعد از فعل بلافاصله قید مکان نوشته می‌شود. **مثال:**

She went to school with his friends yesterday.

قید مکان      فعل حرکتی

او دیروز با دوستانش به مدرسه رفت.



از آن‌جا که افعال ربطی مانند ( be (am, is, are, was, were) (بودن)، look (به نظر رسیدن)، seem (به نظر رسیدن)، become (شدن)، taste (مزه دادن)، feel (احساس کردن) و ... حالت را نشان می‌دهند و نه انجام یک کار را، از این رو بعد از آن‌ها صفت به کار می‌رود نه قید. **مثال:**

This book is interesting.

صفت

این کتاب جالب است.

Helen looks happy.

صفت

هلن خوشحال به نظر می‌رسد.

I feel cold.

سردم است.

The food tastes good.

غذا مزه خوبی می‌دهد.



صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و در زبان انگلیسی قبل از اسم قرار می‌گیرد. **مثال:**

اسم + صفت

a good magazine

یک مجله خوب

a beautiful flower

یک گل زیبا

a big house

یک خانه بزرگ

a new car

یک اتومبیل جدید

Henry is a good man.

اسم      صفت

هنری مرد خوبی است.

Mary is a clever girl.

صفت      اسم

مری دختر باهوشی است.



در درس‌های آینده به طور کامل در مورد صفت توضیح داده خواهد شد.



## ۲. الفرق well و good



**good** صفت است و اسم را توصیف می‌کند اما **well** قید است و برای توصیف فعل به کار می‌رود. **مثال:**  
 Peter is a **good** student. پیتر دانش‌آموز خوبی است.

اسم صفت

Peter works **well**. پیتر خوب کار می‌کند.

قید فعل



کلمه **well** وقتی بیانگر سلامتی است، نقش صفت را دارد و در این صورت می‌تواند با فعل **to be** به کار رود. **مثال:**  
 Jack was sick, but now he is **well**. جک مریض بود، اما حالا حالش خوب است.

استاد می‌تونیم **well** رو قبل از اسم به کار ببریم؟



نه، می‌تونیم بگیم **she's well** اما نمی‌تونیم بگیم **a well girl**.

به کاربرد قید در لطیفه زیر توجه نمایید.



Joke / لطیفه

### A Polite Gentleman / یک مرد مؤدب



Two men were laughing **quietly** over an anecdote in one of the streetcars in Stockholm. A third, who had overheard it, took off his hat and said, "Excuse me, my name is Anderson. May I laugh too?"

دو مرد در یکی از ترامواهای استکهلم در مورد داستان خنده‌داری می‌خندیدند. مرد سوم که تصادفاً آن را شنیده بود، کلاهش را از سر برداشت و گفت: «بخشید، اسم من آندرسون است. اجازه می‌دهید من هم بخندم؟»

### Ordinal Numbers / اعداد ترتیبی



به اعداد ترتیبی زیر توجه کنید:

First (1st)  
Second (2nd)  
Third (3rd)

اول، اولین  
دوم، دومین  
سوم، سومین

در بقیه موارد برای ساختن اعداد ترتیبی پسوند **th** به آخر عدد اصلی اضافه می‌شود.

عدد ترتیبی = **th** + عدد اصلی

**fourth** (4th)

چهارم، چهارمین

\* **fifth** (5th)

پنجم، پنجمین

\* **sixth** (6th)

ششم، ششمین

**seventh** (7th)

هفتم، هفتمین

**eighth** (8th)

هشتم، هشتمین

\* **ninth** (9th)

نهم، نهمین

**tenth** (10th)

دهم، دهمین

**eleventh** (11th)

یازدهم، یازدهمین

\* **twelfth** (12th)

دوازدهم، دوازدهمین

به تغییرات املائی مواردی که با علامت \* مشخص شده است، توجه نمایید.

اعداد ترتیبی نقش صفت دارند و در یک عبارت اسمی، قبل از اسم قرار می‌گیرند. **مثال:**

the **first** ship

اولین کشتی

Date

۴. تاریخها



**الف-** برای نوشتن تاریخ روزها چندین راه وجود دارد. برخی، ماه را قبل از روز می‌نویسند و برخی دیگر

روزها را قبل از ماه. قبل از شماره‌ی سال می‌توان ویروگول (،) گذاشت. **مثال:**

March 21st 2014

بیست و یکم ماه مارس 2014

21st March 2014

July 2nd, 1998

دوم ماه ژوئیه 1998

2nd July, 1998

**ب-** برخی، حرف‌های (-th, -rd, -nd, -st) را که به دنبال شماره‌ی روز نوشته می‌شوند حذف می‌کنند. **مثال:**

October 18, 2010

هجدهم اکتبر 2010

5 July, 2012

پنجم ژوئیه 2012

**پ-** اسم ماه‌ها اغلب به صورت کوتاه نوشته می‌شود. **مثال:**

15 Nov. 1985

پانزدهم نوامبر 1985

**ت-** می‌توان تمام تاریخ را به رقم نوشت. اما باید توجه کرد که بریتانیایی‌ها و آمریکایی‌ها یکسان نمی‌نویسند؛ بریتانیایی‌ها روز را اول می‌نویسند، آمریکایی‌ها ماه را.

6.4.2015 بریتانیایی

ششم آوریل 2015

6.4.2014 آمریکایی

چهارم ژوئن 2014

**ث)** در انگلیسی بریتانیایی تاریخ را به دو طریق بیان می‌کنند:

**March the twenty-first** nineteen eighty.

یا

**The twenty-first of March**, nineteen eighty.

بیست و یکم مارس 1980

**April the third**, nineteen ninety-two.

یا

**The third of April**, nineteen ninety-two.

سوم آوریل 1992



توجه داشته باشید که خواه بنویسیم 1st یا 1، 3rd یا 3، 4th یا 4 در هر دو حالت می‌خوانیم first، third، fourth و غیره).

\* آمریکایی‌ها تاریخ را این‌طور بیان می‌کنند:

**March twenty-first**, nineteen seventy-nine.

بیست و یکم مارس ۱۹۷۹

**April third**

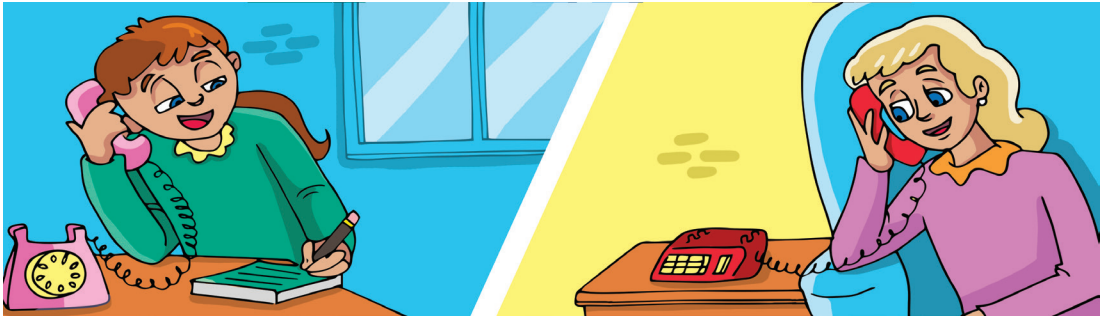
سوم آوریل

**July seventh**

هفتم ژوئیه



## Conversation / مکالمه



**A:** Please write down Robert's address.

لطفاً آدرس رابرت را یادداشت کن.

**B:** All right, but would you please speak very slowly?

باشه، اما لطفاً ممکنه خیلی آهسته صحبت کنی؟

**A:** Yes. Do you want me to spell each word too?

باشه (بله). می‌خواهی هر کلمه را هم هجی کنم؟

**B:** Not the numbers-only the names.

اعداد را نه، فقط اسم‌ها را.

## Test Yourself

## فودآزمایی



## تمرین ۱



هر جا لازم است از صفت یا قید استفاده کنید.

1. Jane is a ..... (careful) student.
2. She does her homework ..... (careful)
3. The old man walks very ..... (slow).
4. Ted is a very ..... (slow) learner.
5. My brother plays the violin ..... (beautiful).

تمرین ۲



در جاهای خالی از good یا well استفاده کنید.

1. Mr. Robinson is a ..... teacher.
2. He teaches English very ... .
3. Reza has a ..... bicycle.
4. The children play football ... .
5. Maryam doesn't feel ..... today.

تمرین ۳



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. I was sick for a few days, but now I am ..... again.  
a) good                      b) well
2. This is an ..... exercise.  
a) easy                      b) easily
3. David works very ... .  
a) hard                      b) hardly
4. She always speaks ..... to the child.  
a) soft                      b) softly

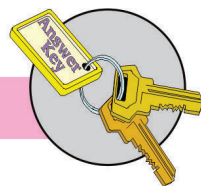
تمرین ۴



معادل انگلیسی جمله‌های زیر را بنویسید.

۱. تو خیلی تند راه می‌روی.
۲. آن‌ها خوب پینگ‌پنگ بازی می‌کنند.
۳. پدرم با احتیاط رانندگی می‌کند.
۴. آقای جونز معلم خوبی است.
۵. امروز بیست و یکم مارس ۲۰۱۵ است.

## پاسخ فودآزمایی / Answer Keys



### تمرین ۱



۱. **(careful)** ◀ قبل از اسم (student)، صفت (careful) به کار می‌رود.
۲. **(carefully)** ◀ برای توصیف فعل (does) از قید (carefully) استفاده می‌شود.
۳. **(slowly)** ◀ برای توصیف فعل (walks) قید حالت (slowly) به کار می‌رود.
۴. **(slow)** ◀ قبل از اسم (learner) و بعد از فعل (is) صفت (slow) به کار می‌رود.
۵. **(beautifully)** ◀ برای توصیف فعل (play) از قید (beautifully) استفاده می‌شود.

### تمرین ۲



۱. **(good)** ◀ قبل از اسم (teacher)، و بعد از فعل (is) صفت (good) به کار می‌رود.
۲. **(well)** ◀ برای توصیف فعل (teaches) از قید (well) استفاده می‌شود.
۳. **(good)** ◀ قبل از اسم (bicycle) صفت (good) به کار می‌رود.
۴. **(well)** ◀ برای توصیف فعل (play) از قید (well) استفاده می‌شود.
۵. **(well)** ◀ برای بیان سلامتی از (well) استفاده می‌شود.

### تمرین ۳



۱. **(b)** ◀ هنگام صحبت از سلامتی، بعد از فعل (be (am, is, ...)) از فعل (well) استفاده می‌کنیم.
۲. **(a)** ◀ در دو مورد از صفت استفاده می‌کنیم: (۱) بعد از فعل (is)، (۲) قبل از اسم (exercise).
۳. **(a)** ◀ برای توصیف فعل (works) از قید حالت (hard) استفاده می‌شود. **hardly** (به ندرت، به زحمت) قید تکرار است و قبل از فعل اصلی به کار می‌رود.
۴. **(b)** ◀ برای توصیف فعل (speaks) از قید (softly) استفاده می‌شود.



1. You walk very fast.
2. They play ping-pong well.
3. My father drives carefully.
4. Mr. Jones is a good teacher.
5. Today is March 21st 2015. = Today is 21st 2015.



TIME FOR A BREAK  
زنگ تفریح

**The best way to start a good day after getting up, is to think that, how we at least make one person happy.**

*Nietzsche*

بهترین روش برای نیک آغاز کردن یک روز این است: به هنگام بیدار شدن ببندیشیم که امروز چگونه می‌توانیم یک نفر را شاد کنیم.

نیچه



# فصل ۱۳

## مطالب این بخش:

- صفت
- مقایسه صفات
- قیدهای تفضیلی و عالی
- **as ... as** و **so ... so**
- خودآزمایی





## Adjective / ا. صفت



صفت کلمه‌ای است که حالت و چگونگی اسم را توصیف می‌کند. **مثال:**

پسر خوب دختر زرتنگ

کلمه «خوب» برای پسر صفت است چون حالت پسر را که خوب بودن است، توصیف می‌کند و کلمه «زرتنگ» دختر را توصیف می‌کند.

### محل قرار گرفتن صفت در زبان انگلیسی

(۱) در زبان انگلیسی برعکس زبان فارسی صفت قبل از اسم قرار می‌گیرد.

اسم + صفت

#### مثال:

یک اتومبیل بزرگ

a **big** car  
اسم صفت

یک خانه جدید

a **new** house  
اسم صفت

(۲) بعد از افعال ربطی مانند

**become, seem, look, be (am, is, are, was, were)** و ... صفت به کار می‌رود. **مثال:**

هنری قدبلند است.

Henry is **tall**.  
صفت

این کتاب جالب است.

This book is **interesting**.  
صفت



افعال حسی مانند **feel** (احساس کردن)، **smell** (بوی چیزی دادن)، **taste** (مزه دادن) و **seem** (به نظر رسیدن) چون بیانگر حالت می‌باشند، همراه با صفت به کار می‌روند:

I **feel cold**. سردم است.

The food **tastes good**. مزه غذا خوب است.



## ۲. مقایسه صفات

از نظر مقایسه صفت بر سه نوع است:

۱. **صفت مطلق:** مانند قوی strong

۲. **صفت تفضیلی:** مانند قوی تر stronger

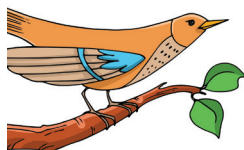
۳. **صفت عالی:** مانند قوی ترین strongest

به مثال‌های تصویری زیر توجه کنید:



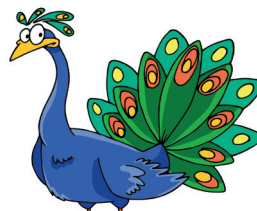
beautiful

زیبا



more beautiful

زیباتر



the most beautiful

زیباترین

۱) **صفت مطلق (positive):** این صفت بدون مقایسه اسم را به صورت مطلق توصیف می‌کند. **مثال:**

Ashkan is **tall**.

صفت مطلق

اشکان قد بلند است.

۲) **صفت تفضیلی (comparative):** این صفت برای مقایسه دو چیز یا دو شخص با یکدیگر به کار می‌رود.

Arash is **taller** than Reza.

آرش از رضا قدبلندتر است.

**طرز ساختن صفت تفضیلی:** در زبان فارسی علامت صفت تفضیلی «تر» است که به آخر صفت (مطلق/ ساده) اضافه می‌شود. مانند «خوب» که صفت تفضیلی آن «خوب‌تر» است.

**الف-** در زبان انگلیسی صفات و قیود تک‌بخشی در تفضیلی پسوند **er** می‌گیرند:

صفت تفضیلی → **ER** + صفت تک‌بخشی

**مثال:**



small	کوچک	smaller	کوچکتر
big	بزرگ	bigger	بزرگتر

**ب-** به صفات دو بخشی که به **y** ختم می‌شوند، پسوند **er** افزوده می‌گردد. **مثال:**

easy	آسان	easier	آسان‌تر
happy	خوشحال	happier	خوشحال‌تر
heavy	سنگین	heavier	سنگین‌تر

**قاعده دیکته:** در کلماتی که **y** ختم می‌شوند، اگر قبل از **y** حرف بی‌صدا وجود داشته باشد، در این صورت هنگام اضافه شدن پسوند **er** حرف **y** به **i** تبدیل می‌شود، مانند کلمات فوق.

**پ-** اگر صفت / قید دوبخشی یا از دو بخش بیشتر باشد، از قید **more** استفاده می‌گردد:

صفت تفضیلی → صفت + more

**مثال:**



beautiful	زیبا
more beautiful	زیباتر
interesting	جالب
more interesting	جالب‌تر
important	مهم
more important	مهم‌تر



به تعداد حروف صدادار بخش داریم، اگر کلمه دارای یک حرف صدادار باشد، یک بخشی است و اگر دو حرف صدادار داشته باشد دوبخشی خواهد بود و اگر سه حرف صدادار داشته باشد سه‌بخشی است.

**مثال:** کلمه **big** یک بخشی است، چون یک حرف صدادار دارد. کلمه **garden** دو بخشی است چون دو حرف صدادار دارد.

نوبه

e ساکن در آخر کلمه مانند live جزو بخش محسوب نمی‌شود زیرا بیانگر هیچ صدایی نمی‌باشد، به عبارت دیگر ساکن است.

صفات بی‌قاعده: به اشکال بی‌قاعده زیر توجه کنید:

صفت ساده	صفت تفضیلی
good	better
bad	worse
much/many	more
little	less
far	farther



نوبه

کلمه **than** (از، نسبت به) بیانگر صفت تفضیلی است. مثال:

Tehran is **bigger than** Shiraz.

تهران از شیراز بزرگتر است.

## Superlative / صفت عالی



صفت عالی برای مقایسه یک شخص یا یک چیز با تمام اشخاص یا چیزهای دیگر به کار می‌رود.

She is the **tallest** girl in the class.

او قد بلندترین دختر کلاس است.

This lesson is the **easiest**.

این درس آسان‌ترین درس است.

Bob is the **cleverest** boy in the class.

باب زرنگ‌ترین پسر کلاس است.

**طریقه ساختن صفت عالی:** برای ساختن صفت عالی در زبان فارسی لفظ «ترین» به آخر صفت

ساده افزوده می‌گردد. مانند: **خوب** که می‌شود **خوب‌ترین**.

در زبان انگلیسی صفت عالی طبق قواعد زیر ساخته می‌شود: 

**الف-** با صفات تک‌بخشی پسوند **est** به کار می‌رود:

صفت عالی  $\rightarrow$  **EST** + صفت تک‌بخشی

نوبه



حرف تعریف معین **the** بیانگر صفت عالی است و قبل از آن به کار می‌رود. **مثال:**

tall	بلند	<b>the tallest</b>	بلندترین
nice	زیبا	<b>the nicest</b>	زیباترین
short	کوتاه	<b>the shortest</b>	کوتاه‌ترین

ب- صفات دوبرخی که به **y** ختم می‌شوند با پسوند **est** به صفت عالی تبدیل می‌گردند. **مثال:**

easy	آسان	<b>the easiest</b>	آسان‌ترین
happy	خوشحال	<b>the happiest</b>	خوشحال‌ترین
heavy	سنگین	<b>the heaviest</b>	سنگین‌ترین

نوبه



در کلماتی که به **y** ختم می‌شوند، هرگاه قبل از **y** حرف بی‌صدا وجود داشته باشد، با اضافه شدن پسوند **est** حرف **y** به **i** تبدیل می‌شود، مانند کلمات فوق.

پ- قبل از صفات / قیود دوبرخی یا از دو بخش بیشتر **most** به کار می‌رود.

صفت / قید عالی → صفت / قید + **most**

**مثال:**



beautiful	زیبا
<b>the most</b> beautiful	زیباترین
interesting	جالب
<b>the most</b> interesting	جالب‌ترین
important	مهم
<b>the most</b> important	مهم‌ترین

یادآوری



قبل از صفت عالی حرف تعریف **the** به کار می‌رود. **مثال:**

This is **the** most expensive car.

این گرانترین اتومبیل است.



## irregular Forms

## صفات بی‌قاعده

به اشکال بی‌قاعده زیر توجه کنید:

صفت ساده	صفت تفضیلی	صفت عالی
good	better	the best
bad	worse	the worst
much/many	more	the most
little	less	the least
far	farther	the farthest

### مثال‌ها:

good	خوب
This is <b>the best</b> school in the city.	این بهترین مدرسه شهر است.
bad	بد
I have <b>the worst</b> handwriting.	من بدترین دستخط را دارم.
many	زیاد
Peter has <b>the most</b> books of all.	پیتراز همه بیشتر کتاب دارد.

## Special Tips / نکات ویژه



در مورد صفت‌هایی که به -er، -ow و -le ختم می‌شوند، می‌توانیم هر دو نوع صفت تفضیلی و عالی را به کار ببریم.

صفت مطلق	صفت تفضیلی	صفت عالی
clever	cleverer / more clever	cleverest / most clever
gentle	gentler / more gentle	gentlest / most gentle
hollow	hollower / more hollow	hollowest / most hollow



معمولاً هرگاه در جمله قید مکان + in یا هم‌نوع اسم + of وجود داشته باشد، از صفت عالی استفاده می‌کنیم. **مثال:**

Our garden is **the most beautiful** garden **in this village**.

باغ ما زیباترین باغ در این دهکده است.

Alice is **the nicest of** the four girls in the family.

آلیس قشنگ‌ترین دختر در میان چهار دختر خانواده است.



### ۳. قیدهای تفضیلی و عالی / Comparative and Superlative Adverbs

قیدهای تفضیلی و عالی نیز مانند صفات تفضیلی و عالی ساخته می‌شوند.

**الف-** قیدهای تک‌بخشی در تفضیلی پسوند **-er** و در عالی پسوند **-est** می‌گیرند.

<u>قید مطلق</u>		<u>قید تفضیلی</u>		<u>قید عالی</u>	
fast	سریع	<b>faster</b>	سریع‌تر	<b>fastest</b>	سریع‌ترین
hard	سخت	<b>harder</b>	سخت‌تر	<b>hardest</b>	سخت‌ترین

**ب-** شکل تفضیلی و عالی قیود دو بخشی و یا بیش از دو بخش با اضافه کردن **more** و **most** در جلو قید ساخته می‌شود.

<u>قید مطلق</u>		<u>قید تفضیلی</u>		<u>قید عالی</u>	
slowly	آهسته، به آهستگی	more slowly	آهسته‌تر	most slowly	آهسته‌ترین
carefully	با دقت	more carefully	با دقت‌تر	most carefully	با دقت‌ترین
commonly	به طور عادی	more commonly	عادی‌تر	most commonly	عادی‌ترین



پ- قیده‌های زیر در شکل تفضیلی و عالی بی‌قاعده هستند:

مطلق	تفضیلی	عالی
well	better	best
badly	worse	worst
little (adj/adv)	less	least
far (adj./adv)	farther further	farthest furthest



### Examples / مثال‌ها

He sings badly, but I sing **worse**.

John drives **the most dangerously**.

She speaks **the most rapidly** of any of my friends.

او بد (آواز) می‌خواند، ولی من بدتر می‌خوانم.

جان به خطرناک‌ترین شکل رانندگی می‌کند.

او تندتر از همهٔ دوستانم صحبت می‌کند.



### Special Tips / نکات ویژه



در انگلیسی بریتانیایی هر دو واژه **farther** و **further** را بدون هیچ تفاوتی برای اشاره به مسافت به کار می‌بریم. **مثال:**

Inverness is **farther / further** away than Glasgow. اینورنس از گلاسکو دورتر است.

در انگلیسی آمریکایی برای بیان این معنا فقط **farther** به کار می‌رود.

**further** (اما نه **farther**) را می‌توانیم برای بیان مفهوم اضافی، بیشتر و پیشرفته‌تر نیز به کار ببریم:

College of **Further** Education کالج بازآموزی (آموزشی تکمیلی)

For **further** information, see page 283.

برای آگاهی بیشتر، به صفحه ۲۸۳ مراجعه کنید.



شکل تفضیلی **less** و شکل عالی **least** هم با صفت و هم با قید به کار می‌رود.  
عاقلاًنه‌تر رفتار کن! دست از حماقت بردار!  
Behave **less foolishly**!



**less** صفت را به متضاد تفضیلی‌اش تبدیل می‌کند. مثال:  
crowded شلوغ  
**less** crowded خلوت‌تر



اگر به آخر اسم **ly** اضافه شود، صفت ساخته می‌شود. در این صورت **ly** - پسوند قیدساز نیست.

صفت = اسم + **ly**

مثال:

<u>اسم</u>		<u>صفت</u>	
mother	مادر	<b>motherly</b>	مادرانه
father	پدر	<b>fatherly</b>	پدرانه
friend	دوست	<b>friendly</b>	دوستانه



برای ساختن قید (حالت) از این صفات طبق الگوی زیر عمل می‌کنیم:

**in + a + اسم + ly + way / manner**

او خیلی با من دوستانه صحبت کرد.  
He spoke to me in **a friendly way**.



برای نشان دادن افزایش یا کاهش مناسب، صفت تفضیلی مضاعف طبق الگوی زیر به کار می‌رود:

صفت تفضیلی + the , + ... + صفت تفضیلی + the

**The more** I study, **the more** I understand.

هر چه بیشتر مطالعه می‌کنم، بیشتر می‌فهمم.

**The more people** you know, **the less** time you have to see them.

هر چه با افراد بیشتری آشنا باشید، وقت کمتری برای دیدن آن‌ها خواهید داشت.



هرگاه مقایسه بین دو نفر باشد و در جمله کلمه **the two** ذکر شود، **than** به **of** تغییر پیدا کرده و قبل از صفت تفضیلی **the** قرار می‌گیرد. **مثال:**

I like David and Peter, but I think Peter is **the kinder of the two**.

من دیوید و پیتر را دوست دارم، ولی فکر می‌کنم از آن دو نفر (بین آن دو نفر) پیتر مهربان‌تر است.



**elder** (بزرگ‌تر، مسن‌تر) و **eldest** (بزرگ‌ترین، مسن‌ترین) به عنوان صفت مستقیم، قبل از اعضای خانواده به کار می‌روند. **elder** هیچ‌وقت برای مقایسه قبل از **than** به کار نمی‌رود. **مثال:**

My **elder** brother is two years **older** than I.

برادر بزرگ‌ترم دو سال از من بزرگ‌تر است.



گاهی **most** بدون **the** قبل از صفت به کار می‌رود. در این حالت **most** به معنای **very** (خیلی) می‌باشد. **مثال:**

The strawberry cake was **most** delicious.

یک توت‌فرنگی خیلی خوشمزه بود.



## ۱. کاربرد **as ... as** و **so ... as**

**برابری دو صفت (صفت متساوی):** در زبان انگلیسی برای نشان دادن برابری دو صفت از **as ... as** هم در جمله‌ی مثبت و هم در جمله‌ی منفی طبق الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

**as + صفت ساده + as**

### مثال:

This man is 70. That man is 70.

این مرد ۷۰ ساله است. آن مرد ۷۰ ساله است.

This man is **as old as** than man.

این مرد هم سن آن مرد است.

صفت

Karen is **as tall as** Alice.

کارن هم‌قد آلیس است.

صفت

Peter is not **as old as** I.

پیتر همسن من نیست.



برای نشان دادن برابری دو قید نیز می‌توان از الگوی **as ... as** استفاده کرد:

**as + قید + as**

### مثال:

Arash runs **as quickly as** Ashkan.

آرش مانند اشکان سریع می‌دود.

قید (حالت)

Mary does not work **as hard as** Helen.

مری به اندازه‌ی هلن سخت کار نمی‌کند.



در جمله‌های منفی از **as ... so** نیز می‌توان استفاده کرد.

She is not **as tall as** her brother.

= She is not **so tall as** her brother.

او هم قد برادرش نیست.



استاد آگه به جای قید، اسم قرار بگیره،  
می‌تونیم از **as... as** استفاده کنیم؟



نه در این حالت از الگوی

**the same + اسم + as**

استفاده می‌کنیم. **مثال:**

Your shirt is **the same colour as** Peter's.

پیرهن تو هم‌رنگ پیرهن پیتراست.

به کاربرد **as + صفت + as** در لطیفه زیر توجه نمایید.

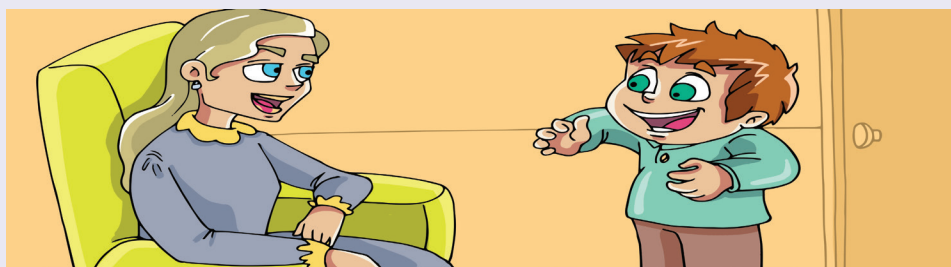


لطیفه / a Joke



**Exaggeration**

مبالغه



"Oh, mother, a truck went by **as big as** a house!"

"Bobbie, Why do you exaggerate so terribly! I've told you 20 million times about that habit of yours, and it doesn't do a bit of good!"

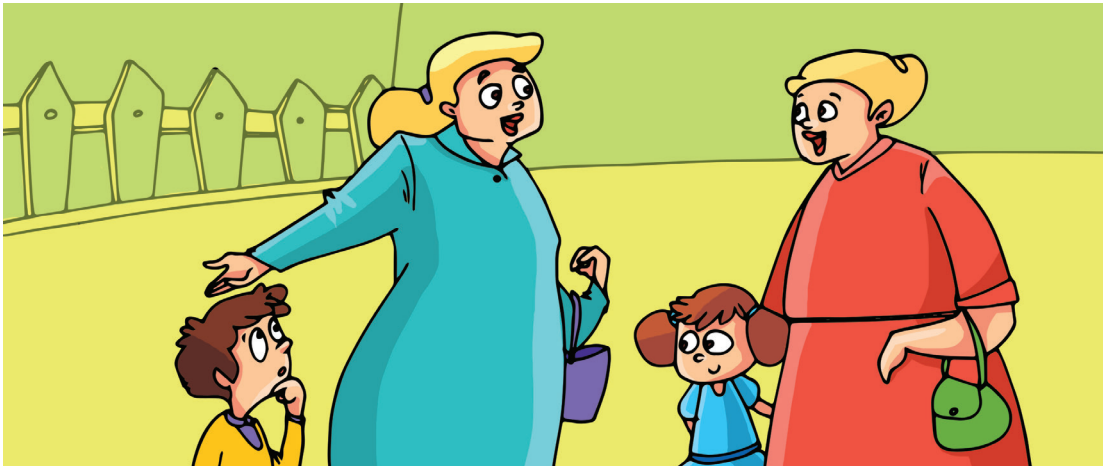
«اوه، مادر، یک کامیون به اندازه یک خانه رد شد.»

«بابی، چرا این‌قدر زیاد مبالغه می‌کنی؟ ۲۰ میلیون بار در مورد این عادت تو با تو صحبت

کرده‌ام، و یک ذره هم فایده نداشته است.»



Conversation / مکالمه



**A:** How old is your son?

پسرت چند سال سن داره؟

**B:** He's seventeen years old.

او هفده سال داره.

**A:** Is your daughter older or younger than your son?

دخترت بزرگتر از پسرت یا کوچکتره؟

**B:** Younger. She's only fifteen.

کوچکتره. اون فقط پانزده سال داره.

Test Yourself

فودآزمایی



تمرین ۱



شکل صحیح صفات داخل پرانتز را به کار ببرید.

1. He is ..... than I (am). (*young*)

2. This is the ..... book that I own. (*expensive*)

3. The weather this winter is ..... than the weather last winter. (*bad*)
4. Jane is ..... than her sister. (*attractive*)
5. January is the ..... month of the year. (*cold*)
6. He is the ..... boy that I know. (*ambitious*)

### تمرین ۲



در جمله‌های زیر از *as / not so ... as* استفاده کنید. هر جا لازم است، صفت را به قید حالت تبدیل کنید.

1. Our apartment is ..... (large) ..... yours.
2. Tom is not ..... intelligent ..... his sister.
3. She sings ..... (beautiful) ..... she plays.
4. We came ..... (quick) ..... we could.
5. He doesn't speak English ..... (good) ..... his sister.
6. Her pronunciation is not ..... (good) ..... yours.

### تمرین ۳



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. It is ..... garden in this village.
 

a) the most beautiful	b) more beautiful
c) the more beautiful	d) beautiful
2. Helen is ..... than her sister.
 

a) tallest	b) taller
c) tall	d) the taller
3. The weather today is ..... than the weatehr yesterday.
 

a) warmest	b) warm
c) the warmest	d) warmer

- 4. Tom swims ..... of all the team members.**  
 a) the most gracefully                      b) more gracefully  
 c) most gracefully                            d) the most graceful
- 5. They go to the movies ..... than you.**  
 a) most frequently                            b) more frequently  
 c) more frequent                              d) the most frequently
- 6. This ruler is 20 centimeters. That ruler is 20 centimeters. they are ..... each other.**  
 a) long    b) the longest  
 c) as long as                                      d) longer
- 7. My father's handwriting is as ..... as my mother's.**  
 a) well    b) good  
 c) best    d) better
- 8. My car is colour as Jim's.**  
 a) as     b) same  
 c) the same                                        d) so

### تمرین ۱

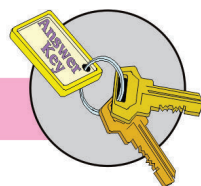


معادل‌های انگلیسی جمله‌های زیر را بنویسید.

۱. جک هم قد برادرش است.
۲. هلن درست مثل خواهرش زیباست (هلن به زیبایی خواهرش است).
۳. من از خواهرم کوچک‌تر (جوان‌تر) هستم.
۴. این جعبه اندازه آن جعبه است.
۵. برادرم چشمان آبی دارد.



پاسخ فودآزمایی / Answer Key



تمرین ۱



1. younger

جوان تر

2. most expensive

گران ترین

3. worse

بدتر

4. more attractive

جذاب تر

5. coldest

سردترین

6. must ambitious

جاه طلب ترین

تمرین ۲



1. as large as

به بزرگی

2. so intelligent as

به باهوشی

3. as beautifully as

به زیبایی

4. as quickly as

به سرعتی که

5. as well as (so well as)

به خوبی

6. so good as

به خوبی

تمرین ۳



۱. (a) که قبل از یک عبارت که بیانگر مکان می باشد (مثل in the village) صفت عالی به کار می رود.

۲. (b) که کلمه ی than (از) بیانگر کاربرد صفت تفضیلی است.

۳. (d) که than نشان دهنده ی کاربرد صفت تفضیلی است.

۴. (a) که برای توصیف فعل (swims) از قید (gracefully) استفاده می شود. با توجه به

همنوع اسم + of و حرف تعریف the از قید عالی استفاده می کنیم.

۵. (b) که برای توصیف فعل (go) از قید (frequently) استفاده می‌شود، than بیانگر کاربرد قید تفضیلی است.

۶. (c) که برای نشان دادن برابری دو صفت از as ... as استفاده می‌کنیم.

۷. (b) که در الگوی as ... as صفت مطلق به کار می‌رود. بعد از فعل ربطی (is) از صفت استفاده می‌شود و قید (well) به کار نمی‌رود.

۸. (c) که با توجه به الگوی as + اسم + the + same + گزینه (c) صحیح است.



1. Jack is as tall as his brother.
2. Helen is as beautiful as her sister.
3. I am younger than my sister.
4. This box is the same size of that box.
5. My brother has blue eyes.



**Anger is a wind which blows out the lamp  
of the mind.**

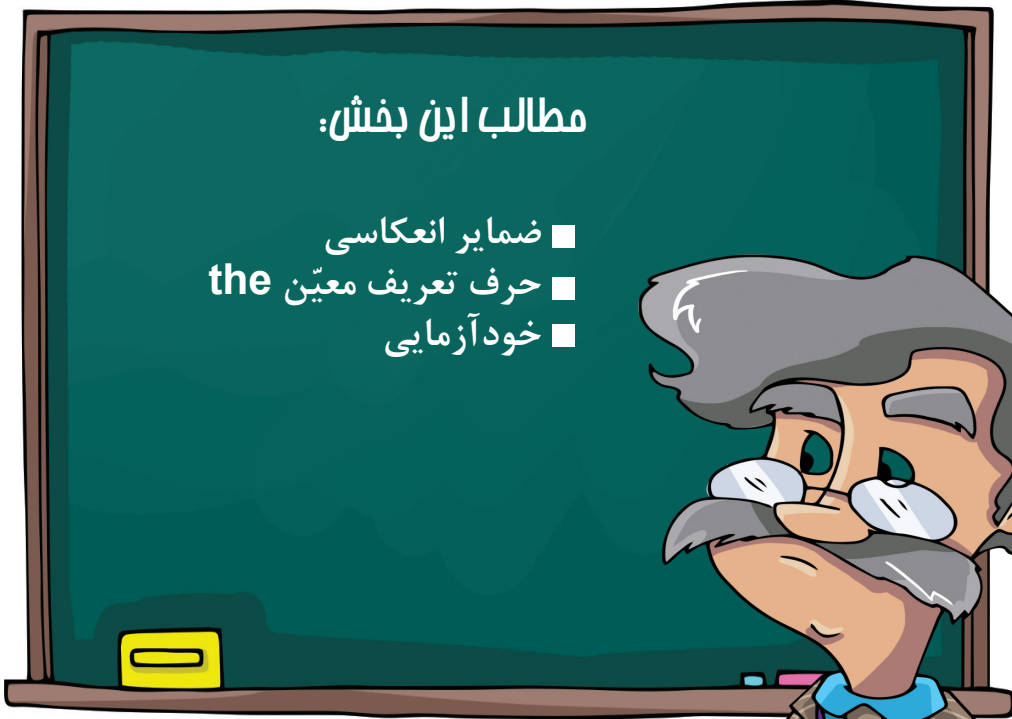
خشم، غضب بادی است که چراغ مغز را خاموش می‌کند.



# فصل ۱۴

مطالب این بخش:

- ضمائر انعکاسی
- حرف تعریف معین **the**
- خودآزمایی





## Reflexive Pronouns

## ۱. ضمائر انعکاسی

هنگامی که فاعل و مفعول جمله یک شخص باشد، از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم. **مثال:**

**I see myself** in the mirror.

من خودم را در آینه می‌بینم.

در جمله فوق فاعل و مفعول هر دو یک نفر هستند. در واقع می‌توان گفت که ضمیر انعکاسی با فاعل جمله مطابقت دارند، یعنی به عنوان مثال اگر فاعل **he** باشد از ضمیر انعکاسی **himself** استفاده می‌شود. ضمائر انعکاسی و تأکیدی عبارتند از:

مفرد	جمع
myself	خودم
yourself	خودتان
himself	خودش (مذکر)
herself	خودش (مؤنث)
itself	خودش (خنثی)



اگر مفعول غیرشخصی قبل از مفعول شخصی قرار گیرد، در این صورت با توجه به فعل جمله از حروف اضافه **for** و **to** استفاده می‌شود:

مفعول غیر شخصی + مفعول شخصی 😊  
 😊 مفعول شخصی + **to / for** + مفعول غیر شخصی

**مثال:**

She made **herself** a cake.  
 مفعول غیر شخصی      مفعول شخصی

She made a cake **for herself**.  
 مفعول غیر شخصی      مفعول شخصی

او برای خودش یک کیک درست کرد.



## Comments / توضیحات

❶ ضمیر انعکاسی بعد از فعل و بدون حرف اضافه به کار می‌رود. **مثال:**

I blamed **myself**. خودم را سرزنش کردم.

❷ ضمیر انعکاسی بعد از مفعول با حرف اضافه به کار می‌رود. **مثال:**

I will buy a book **for myself**. برای خودم یک کتاب خواهم خرید.

❸ گاهی از ضمیر انعکاسی برای تأکید بر روی فاعل و یا مفعول استفاده می‌شود، در این صورت ضمیر

انعکاسی بسته به نوع تأکید بعد از فاعل و یا مفعول قرار می‌گیرد. **مثال:**

I **myself** helped him. من خودم به او کمک کردم.

ضمیر تأکیدی

❹ ضمیر تأکیدی بعد از مفعول جمله اما بدون حرف اضافه به کار می‌رود. **مثال:**

She cleaned the room **herself**. او خودش اتاق را تمیز کرد.

❺ بعد از حرف اضافه **with**، ضمیر انعکاسی / تأکیدی به کار نمی‌رود و از ضمیر مفعولی استفاده می‌شود. **مثال:**

Reza came with (him- himself) رضا با او آمد.

❻ اگر قبل از ضمیر انعکاسی، حرف اضافه **by** به کار رود، آن عبارت معنی به تنهایی (alone) را می‌دهد. **مثال:**

**by myself** = alone به تنهایی

**by yourself** = alone به تنهایی

She lives **by herself**. او به تنهایی زندگی می‌کند.

❼ در جملات امری چون فاعل جمله (you) است، لذا در شکل مفرد از ضمیر انعکاسی **yourself** و

در شکل جمع از **yourselves** استفاده می‌کنیم. **مثال:**

Help **yourself**. از خودتان پذیرایی کنید، بفرمایید.




## ۲. حرف تعریف معین The

حرف تعریف معین **the** قبل از اسم مفرد یا جمع که نزد گوینده و شنونده معلوم و مشخص باشد، به کار می‌رود. **مثال:**

Please open **the** window.

لطفاً پنجره را باز کنید.

در جمله بالا **the window** (پنجره) برای گوینده و شنونده مشخص است. 

**حرف تعریف معین the در موارد زیر به کار می‌رود:**

❶ هرگاه یک اسم دو بار تکرار شود، چون بار دوم شناخته می‌شود، قبل از آن **the** به کار می‌رود. **مثال:**

She has two children, **a boy** and **a girl**.

**The boy** is fourteen and **the girl** is eight.

او دو بچه دارد. یک پسر و یک دختر. پسر چهارده ساله و دختر هشت ساله است.

❷ قبل از عبارتهای زیر **the** به کار می‌رود.

in **the** morning

صبح‌ها

in **the** afternoon

عصرها

in **the** evening

شب، شب‌ها

❸ قبل از اسامی‌ای که در طبیعت فقط یکی از آنها وجود دارد، حرف تعریف **the** به کار می‌رود. مانند:

<b>the earth</b>	(کره) زمین	<b>the moon</b>	ماه
<b>the sun</b>	خورشید	<b>the sky</b>	آسمان

❹ قبل از اسامی رودخانه‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها، خلیج‌ها، سلسله جبال‌ها، مجمع‌الجزایر و کشورها یا ایالاتی که اسم آن‌ها از اسم و صفت تشکیل شده باشد، از حرف تعریف **the** استفاده می‌کنیم. **مثال:**

**the Nile**

رود نیل

**the Caspian Sea**

دریای خزر

**the Atlantic Ocean**

اقیانوس اطلس

**the Persian Gulf**

خلیج فارس

**the Alborz Mountains**

کوه‌های البرز

**the** Dodecanese  
**the** United States

جزایر دکانز  
ایالات متحده آمریکا

🔥 قبل از چیزهایی که مفهوم کلی دارند حرف تعریف **the** به کار نمی‌رود ولی برای چیزهایی جزئی (جزئی از کل) که مفهوم خاص دارد حرف تعریف **the** به کار می‌رود. **مثال:**

**Gold** is precious. طلا قیمتی است. (مفهوم کلی)

**The gold** in your watch is precious.

طلایی که در ساعت شما است قیمتی است. (حالت جزئی)



حروف اضافه **in** و **of** بعد از اسم، بیانگر حالت جزئی اسم هستند.

### در موارد زیر از حرف تعریف **the** استفاده نمی‌شود.



🕒 قبل از اسم خاص مانند انسان (**Ali**)، شهر (**Tehran**)، کشور (**Iran**) از **the** استفاده نمی‌شود.

**مثال:**

I live in Tehran.

من در تهران زندگی می‌کنم.

Ali is very clever.

علی خیلی باهوش است.

👉 اما اگر این اسامی به عنوان صفت به کار روند، قبل از آن‌ها **the** به کار خواهد رفت. **مثال:**

**The Chicago** fire was very large.

آتش‌سوزی شیکاگو خیلی عظیم بود.

🕒 قبل از صفات ملکی **the** به کار نمی‌رود. **مثال:**

My father is a teacher.

پدر من معلم است.

🕒 قبل از **some** و **any** از **the** استفاده نمی‌شود. **مثال:**

I have some books.

من تعدادی کتاب دارم.

On Sunday, Monday

**the** Sunday before last  
in October, March

the October of 2000  
in 1955, 1988  
in Tehran, London  
in Iran, England  
Arash, Ashkan

۴ در موارد زیر نیز **the** به کار نمی‌رود:

۱. قبل از روزهای هفته، مانند:

اما می‌توانیم بگوییم:

یکشنبه هفته گذشته

۲. قبل از ماهها، مانند:

اما می‌توانیم بگوییم:

ماه اکتبر ۲۰۰۰

۳. قبل از سالها، مانند:

۴. قبل از اسامی شهرها، مانند:

۵. قبل از اسامی کشورها، مانند:

۶. قبل از اسامی اشخاص، مانند:



### نکات ویژه / Special Tips



نکته:

قبل از اسم معنی، حرف تعریف **the** به کار نمی‌رود.

شجاعت فضیلتی بزرگ است.

**Bravery** is a great virtue.



یادآوری

اسم معنی اسمی است که مفهوم ذهنی دارد و به خودی خود وجود ندارد و قابل لمس نیست. **مثال:**

bravery

شجاعت

kindness

مهربانی



نوبه

هرگاه اسمی معنی مفهوم کلی داشته باشد، نمی‌توان قبل از آن از **the** استفاده کرد ولی اگر

این اسم به مفهوم جزئی از کل (مفهوم خاص) به کار رود در این صورت از حرف تعریف **the**

استفاده می‌شود. **مثال:**

**The bravery of Spartans** was renowned.

شجاعت اسپارتی‌ها شهرت داشت.





وقتی اسم جمع به مفهوم کلی به کار رود، در این صورت از حرف تعریف معین **the** استفاده نمی‌شود. **مثال:**  
**Dogs** are faithful animals. سگ حیوان وفاداری است.



قبل از اسم زبان‌ها از **the** استفاده نمی‌شود. **مثال:**  
 Ashkan speaks **English** very well. اشکان خیلی خوب انگلیسی حرف می‌زند.



هرگاه بعد از اسم زبان‌ها کلمه **language** به کار رود، در این صورت می‌توان از حرف تعریف **the** استفاده کرد. **مثال:**  
 Arash speaks **the English language** very well.  
 آرش زبان انگلیسی را بسیار خوب صحبت می‌کند.



قبل از وعده غذا مانند **breakfast** (صبحانه)، **lunch** (ناهار)، **dinner** (شام) یا **supper** (شام) از حرف تعریف **the** استفاده نکنید.



اگر به وعده غذایی خاصی اشاره شود، در این صورت از حرف تعریف **the** استفاده می‌شود. **مثال:**  
**The lunch** they provided was excellent. ناهاری که آن‌ها مهیا کردند عالی بود.



قبل از اسم بازی‌ها مانند football (فوتبال)، hockey (هاکی)، tennis (تنیس)، cricket (کریکت)، volleyball (والیبال)، basketball (بسکتبال) از حرف تعریف معین the استفاده نکنید. بازی مورد علاقه من فوتبال است.

My favourite game is **football**.



قبل از نام امراض مانند cholera /'kɒləərə/ (وبا) از حرف تعریف معین the استفاده نکنید. وبا بیماری وحشتناکی است.

**Cholera** is a dreadful disease.



با نام بعضی از بیماری‌های رایج حرف تعریف نامعین به کار می‌رود. مانند:

I was suffering from **a cold (a fever, a cough, a headache)**.

من سرماخوردگی (تب، سرفه، سردرد) داشتم.



قبل از حواس پنجگانه از حرف تعریف استفاده نکنید.

sight	بینایی	smell	بویایی
hearing	شنوایی	taste	چشایی
touch	لامسه		

**Sight** is one of the five senses. بینایی یکی از حواس پنجگانه است.



man به معنی «بشر»، «انسان» بدون حرف تعریف the به کار می‌رود. همچنین کلمه mankind (نوع بشر، بشریت) نیاز به حرف تعریف ندارد. **مثال:**

**Man** is mortal.

انسان فانی است.


Disease is the enemy of **mankind**.

بیماری دشمن بشر است.



to go to school به معنی **to be a student** (دانش آموز بودن) است. در صورتی که **to go**

**to the school** به معنی **to visit the school** (بازدید کردن از مدرسه) است.

به همین ترتیب عبارت **to leave school** به معنی **to stop being a student** 

(ترک تحصیل کردن) است و **to leave the school** به معنی **to go away from school**

**premises** (خارج شدن از محوطه‌ی ساختمان مدرسه) می‌باشد. **مثال:**

My sister **goes to school**.

خواهرم به مدرسه می‌رود.



قبل از کلمه **church** (کلیسا) از **the** استفاده نمی‌شود. **مثال:**

On Sunday Peter **goes to church**.


روز یکشنبه پیتر به کلیسا می‌رود.



عبارت **to go to church** به معنی **to go and pray** (رفتن به کلیسا و عبادت کردن) است،

در صورتی که عبارت **to go to the church** به معنی **to go and visit the church** (رفتن

به کلیسا برای بازدید آن) می‌باشد.

همین تفاوت در اصطلاحات زیر نیز وجود دارد: 

go to **bed**

به رختخواب رفتن (برای خوابیدن)

go to **the bed**

به سوی تختخواب رفتن

go to **prison**

به زندان رفتن (به زندان افتادن)

go to **the prison**

به زندان رفتن (برای ملاقات)

go to **market**

به بازار رفتن (برای خرید و فروش)

go to **the market**

به بازار رفتن (برای بازدید و گردش)

go to **hospital**

به بیمارستان رفتن (برای معالجه)

go to **the hospital**

به بیمارستان رفتن (برای عبادت)

sit at **table**

سر سفره نشستن

sit at **the table**

پشت میز نشستن



قبل از کلمه **nature** به معنی «طبیعت» **the** به کار نمی‌رود. **مثال:**  
**Nature** is beautiful in spring.  
 طبیعت در بهار زیبا است.



هرگاه کلمه **nature** به معنی «ماهیت»، «فطرت»، «سرشت»، «طبع» به کار رود، در این صورت می‌توان قبل از آن از حرف تعریف **the** استفاده کرد. **مثال:**  
 It is in **the nature** of a dog to be faithful.  
 سگ فطرتاً باوفا است.



قبل از کلمه **society** (جامعه) از **the** استفاده نکنید. **مثال:**  
 A thief is a danger to **society**.  
 دزد برای جامعه خطرناک است.  
 در موارد زیر قبل از کلمه **society** از حرف تعریف **the** استفاده می‌شود.

هرگاه **society** در مورد خاصی به کار رود، از حرف تعریف **the** استفاده می‌شود. **مثال:**  
**The society** of the Greeks was based on freedom.  
 جامعه‌ی یونانی‌ها بر اساس آزادی بنا شده بود.

حرف اضافه **of** بیانگر جزئی از کل است. معمولاً اسم قبل از حرف اضافه‌ی **of** با حرف تعریف **the** به کار می‌رود. **مثال:**  
**The window of the** room  
 پنجره‌ی اتاق

هرگاه کلمه‌ی **society** به معنی «معاشرت»، «مصاحبت» باشد، قبل از آن **the** از استفاده می‌شود. **مثال:**  
 I enjoy **the society** of my friends.  
 از مصاحبت دوستانم لذت می‌برم.



قبل از کلمه **society** به معنی «جامعه» حرف تعریف **the** به کار نمی‌رود.



قبل از **only** (فقط)، **first** (اول، اولین)، **second** (دوم، دومین) و غیره، همچنین قبل از صفات عالی حرف تعریف **the** قرار می‌دهیم. **مثال:**

She's **the only woman** that I know. او تنها زنی است که من می‌شناسم.  
 He bought **the most expensive** car. او گران‌ترین اتومبیل را خرید.



اسمی که قبل از جمله‌واره وصفی قرار می‌گیرد، با حرف تعریف **the** به کار می‌رود. **مثال:**

The letter **which you saw** is for me. نامه‌ای که شما دیدید برای من است.



**the** قبل از بعضی از اسامی مفرد قرار می‌گیرد و آن‌ها را به اسم جمع تبدیل می‌کند. **مثال:**

**the poor** فقرا  
**the rich** ثروتمندان



استاد، چرا قبل از اسمی که مفهوم جزئی (خاص) دارد، حرف تعریف **the** به کار می‌ره؟



چون اسم در حالت جزئی مشخص میشه. به این مثال توجه کنید:

**Money** doesn't always brings happiness.

پول همیشه خوشبختی نمی‌آورد.

Don't touch **the money** in the wallet.

به پول داخل کیف دست نزن.

👉 در جمله اول **money** (پول) مفهوم کلی دارد ولی در جمله دوم پول مفهوم جزئی دارد. چون کیف را می‌بینیم پس پول داخل کیف هم برای ما مشخص میشه. به این دلیل در جمله دوم قبل از کلمه **money** و **wallet** از حرف تعریف **the** استفاده می‌کنیم.



Conversation / مکالمه



**A:** Where did you go yesterday?

دیروز کجا رفتی؟

**B:** I went to the theater.

به تئاتر رفتم.

**A:** Did you enjoy yourself?

خوش گذشت؟

**B:** Yes, I did.

بله، خوش گذشت.

Test Yourself /

فودآزمایی



تمرین ۱



ضمایر انعکاسی لازم را در جای خالی قرار دهید.

1. She looked at ..... in the mirror.
2. He cut ..... with a knife.
3. They enjoyed ..... at the party.
4. The woman burned ... .
5. The children are amusing ..... with the kitten.

تمرین ۲



در جاهای خالی، هر جا لازم است از حرف تعریف the استفاده کنید.

1. .... air in this room is not fresh.
2. .... some women from ... Peru visited us.
3. .... tea in this pot is very weak.
4. .... sun is shining now, but part of ..... sky is still dark.
5. I like to study ..... history of England.
6. New York City is ..... largest city in ..... United States.
7. .... largest river in ... Germany is ..... Rhine.
8. Look! Helen is waving to us from ..... street.
9. Who is ..... best player in your team?
10. .... boy who is running is my son.

تمرین ۳



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. **Look at ..... in the mirror.**

a) herself	b) ourselves
c) yourself	d) himself
2. **The little girl hurt ..... when she fell.**

a) himself	b) itself
c) themselves	d) herself
3. **My father cuts ..... every morning when he shaves.**

a) himself	b) myself
c) herself	d) ourselves
4. **The dog hurt ..... when it jumped over the fence.**

a) yourself	b) itself
c) himself	d) themselves
5. **..... Caspian Sea is in ..... North of ..... Iran.**

a) The, the, an	b) The the, __
c) The, __, the	d) The, the, the





تمرین ۲



- |             |                  |
|-------------|------------------|
| 1. The      | 6. the, the      |
| 2. __ , __  | 7. The, __ , the |
| 3. The      | 8. the           |
| 4. The, the | 9. the           |
| 5. the      | 10. the          |

تمرین ۳



۱. (c) که در جمله‌های امری با توجه به مفرد یا جمع بودن فاعل، از yourself یا yourselves استفاده می‌کنیم.
۲. (d) که با توجه به فاعل جمله که مؤنث است، از ضمیر انعکاسی herself استفاده می‌کنیم.
۳. (a) که ضمیر انعکاسی himself با فاعل جمله (My father) مطابقت می‌کند.
۴. (b) که چون فاعل جمله غیرانسان (dog) است، لذا از ضمیر انعکاسی itself استفاده می‌کنیم.
۵. (b) که قبل از اسامی دریاها the به کار می‌رود. قبل از شمال و جنوب و ... حرف تعریف معین the لازم است. برای اسامی خاص مانند Iran حرف تعریف به کار نمی‌رود.
۶. (c) که «پسری که در مغازه است، برادر من است.» در این جمله عبارت «که در مغازه است» به پسر خاصی اشاره می‌کند، بنابراین قبل از آن the به کار می‌رود. قبل از صفات ملکی مانند my حرف تعریف the به کار نمی‌رود.
۷. (a) که قبل از کلمه اخبار (news) حرف تعریف the به کار می‌رود.
۸. (b) که چون منظور از زندان رفتن، ملاقات کردن زندانی است، لذا قبل از کلمهٔ prison (زندان) از حرف تعریف معین the استفاده می‌شود.



1. I bought myself a new shirt.
2. David can carry the box by himself.
3. Tom went to the bank.
4. James wounded himself
5. Alice's mother went to the school to talk to Alice's teacher.



TIME FOR A BREAK  
زنگ تفریح

**After night comes the dawn.**

*Proverbs*

پایان شب سپید است.

**ضرب المثل**



## مطالب این بخش:

- زمان گذشته استمراری
- موارد استفاده زمان گذشته استمراری
- زمان آینده استمراری
- موارد استفاده زمان آینده استمراری
- خودآزمایی





## The Past Continuous Tense / ۱. زمان گذشته استمراری

**تعریف:** این زمان برای بیان عملی به کار می‌رود که در زمان مشخصی در گذشته (مثل ساعت ۳ دیروز) در حال انجام یافتن بوده و در گذشته نیز خاتمه یافته است. **مثال:**



Jack **was watching** TV at 10:30 last night.

جک دیشب ساعت ده و نیم مشغول تماشای تلویزیون بود.

**طریقه‌ی ساختن زمان گذشته استمراری:** برای ساختن این زمان از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

فاعل + **was/were** + فعل **ing**

**مثال:** فعل **to play** (بازی کردن) را در این زمان صرف می‌کنیم:

مفرد	جمع
I was playing. من مشغول بازی بودم.	We were playing. ما مشغول بازی بودیم.
You were playing. تو مشغول بازی بودی.	You were playing. شما مشغول بازی بودید.
He was playing. او (مذکر) مشغول بازی بود.	They were playing. آنها مشغول بازی بودند.
She was playing. او (مؤنث) مشغول بازی بود.	
It was playing. آن (خنثی) مشغول بازی بود.	

### More Examples / مثال‌های بیشتر



Tom **was reading** a book at 8 o'clock.

تام در ساعت ۸ مشغول خواندن کتابی بود.

At 9 she **was washing** her car.  
It **was raining** so we didn't go out.

او در ساعت ۹ مشغول شستن ماشینش بود.  
باران می‌بارید، بنابراین بیرون نرفتیم.

طریقه منفی کردن زمان گذشته استمراری: برای منفی کردن این زمان قید **not** را بعد از **was** یا **were** قرار می‌دهیم. مثال:

{ I was working hard.  
I was **not** working hard.

من سخت کار می‌کردم.  
من سخت کار نمی‌کردم.

{ They were playing football.  
They were **not** playing football.

آنها فوتبال بازی می‌کردند.  
آنها فوتبال بازی نمی‌کردند.

طریقه سؤالی کردن زمان گذشته استمراری: برای سؤالی کردن این زمان یکی از افعال **was** یا **were** را قبل از فاعل قرار می‌دهیم. مثال:

{ Arash **was** reading a newspaper.  
**Was** Arash reading a newspaper?

آرش مشغول خواندن یک روزنامه بود.  
آیا آرش مشغول خواندن یک روزنامه بود.

{ They **were** walking in the park.  
**Were** they walking in the park?

آنها در پارک قدم می‌زدند.  
آیا آنها در پارک قدم می‌زدند؟

پاسخ‌های کوتاه در زمان گذشته استمراری: در پاسخ‌های کوتاه از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:  
پاسخ مثبت:

Yes + فاعل + was / were

پاسخ منفی:

No + فاعل + wasn't / weren't

مثال:

{ **Was** Reza playing ping-pong?  
Yes, he **was**.

آیا رضا پینگ‌پنگ بازی می‌کرد؟  
بله، بازی می‌کرد.

{ **Were** they studying English?  
No, they **weren't**.

آیا آنها انگلیسی مطالعه می‌کردند؟  
نه، مطالعه نمی‌کردند.



## ۲. موارد استفاده زمان گذشته استمراری

① هرگاه عملی در زمان معینی در گذشته در حال انجام یافتن بوده و در گذشته نیز خاتمه یابد، از این زمان طبق الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

قید زمان گذشته + زمان مشخص + گذشته استمراری

**مثال:**

She was watching TV **at this time last night**.

او دیشب در این زمان مشغول تماشای تلویزیون بود.

② هرگاه عملی قبل از عمل دیگر اتفاق بیفتد و مدتی در زمان گذشته ادامه یابد، از این زمان طبق الگوهای زیر استفاده می‌کنیم:

گذشته استمراری + گذشته ساده + **when**



می‌توان جای گذشته ساده و گذشته استمراری را طبق الگوی زیر در جمله تغییر داد که در هر دو حالت معمولاً **when** بر سر جمله گذشته ساده قرار می‌گیرد:

گذشته ساده + **when** + گذشته استمراری

**مثال:**

When you came, we were playing football. =

گذشته ساده

گذشته استمراری

We were playing football when you come.

گذشته استمراری

گذشته ساده

وقتی شما آمدید، ما داشتیم فوتبال بازی می‌کردیم.

③ غالباً کارهایی که مدت زمان انجام آن بیشتر است، به صورت گذشته استمراری به کار می‌روند و کارهایی که زمان انجام آنها کوتاه است، به صورت گذشته ساده مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً بعد از کلماتی همچون **while** (هنگامی که) یا **as** (هنگامی که) گذشته استمراری به کار می‌رود.

گذشته ساده + گذشته استمراری + **while/as**

گذشته استمراری + **while/as** + گذشته ساده

**مثال:**

While I was walking, I saw my friend.

گذشته استمراری

گذشته ساده

هنگامی که داشتم قدم می‌زد، دوستم را دیدم.

👉 جمله‌ی فوق را به صورت زیر نیز می‌توان نوشت:

I saw my friend **while** I was walking.

دوستم را دیدم هنگامی که داشتم قدم می‌زدم.

🕒 هرگاه دو عمل در زمان گذشته هم زمان ادامه داشته باشند، در این صورت در دو طرف جمله

می‌توان از زمان گذشته استمراری استفاده کرد. **مثال:**

George was watching TV **while** his brother was studying.

جورج داشت تلویزیون تماشا می‌کرد در حالیکه برادرش مشغول مطالعه بود.

🕒 برای بیان ادامه کاری به طور مستمر در محدوده زمانی مشخص، از این زمان استفاده می‌شود در این

صورت قید زمان جمله اغلب بعد از **all** (تمام، همه) یا **the whole** (تمام، همه) نوشته می‌شود. **مثال:**

It **was snowing** heavily **all day yesterday**, so I had to drive carefully.

تمام دیروز برف سنگینی می‌بارید، بنابراین مجبور بودم با احتیاط رانندگی کنم.

استاد بعد از **when** می‌تونیم از گذشته استمراری استفاده کنیم؟



بله، طبق الگوهای زیر می‌تونیم بعد از **when** گذشته استمراری رو به کار ببریم:

گذشته ساده + گذشته استمراری + **when**  
گذشته استمراری + **when** + گذشته ساده

**مثال:**

**When I was leaving** the house, the postman arrived.

وقتی داشتم خانه را ترک می‌کردم، پستیچی رسید.

Someone knocked at the door **when I was having** breakfast.

وقتی داشتم صبحانه می‌خوردم، کسی در زد.

به کاربرد زمان گذشته استمراری در لطیفه زیر توجه نمایید.





لطیفه / a Joke

### A job for the Groom

شغلی برای داماد



“You mean to say you were not at your own daughter’s wedding? Where were you?”

“I **was looking** for a job for the groom.”

«می‌خواهی بگویی که در جشن عروسی دخترت نبودی؟ کجا بودی؟»

«دنبال کار برای داماد بودم.»

### ۳. زمان آینده استمراری / Future Continuous Tense



طرز ساختن:

فاعل + will + be + ing فعل

Singular	مفرد	Plural	جمع
I will be working.	من مشغول کار کردن خواهم بود.	We will be working.	ما مشغول کار کردن خواهیم بود.
You will be working.	تو مشغول کار کردن خواهی بود.	You will be working.	شما مشغول کار کردن خواهید بود.
He / She / It will be working.	او / آن مشغول کار کردن خواهد بود.	They will be working.	آن‌ها مشغول کار کردن خواهند بود.



More Examples / مثال‌های بیشتر



I **will be studying** when you return this evening.

امشب زمانی که برگردید، من در حال درس خواندن خواهم بود.

They **will be traveling** in England by the time you arrive here.

زمانی که وارد اینجا شوید، آن‌ها در حال سفر کردن به انگلستان خواهند بود.

It probably **will be raining** when you get back.

وقتی شما برمی‌گردید، احتمالاً باران خواهد بارید.

طریقه منفی کردن:

برای منفی کردن این زمان قید **not** را بعد از فعل کمکی **will** قرار می‌دهیم. **مثال:**

They **will be working** at 8 o'clock tomorrow morning.

آن‌ها فردا صبح ساعت ۸ مشغول کار خواهند بود.

They **will not (won't) be working** at 8 o'clock tomorrow morning.

آن‌ها فردا ساعت ۸ مشغول کار نخواهند بود.

طریقه سؤالی کردن:

برای سؤالی کردن جمله، فعل کمکی **will** را در ابتدای جمله، قبل از فاعل قرار می‌دهیم. **مثال:**

You **will be playing** golf.

شما مشغول بازی کردن گلف خواهید بود.

**Will you be playing** golf ?

آیا شما مشغول بازی گلف خواهید بود؟

۴. موارد استفاده زمان آینده استمراری



این زمان برای بیان عملی به کار می‌رود که در زمان مشخصی در آینده (مثل: ساعت ۵ فردا) در

حال انجام شدن خواهد بود. **مثال:**

I **will be playing** football at this time tomorrow.

فردا در این موقع مشغول بازی فوتبال خواهم بود.

برای بیان کارهایی که از پیش طرح‌ریزی شده‌اند.

We'll be leaving tomorrow. = We are leaving tomorrow.

فردا می‌رویم.



الگوهای زیر بیانگر کاربرد زمان آینده استمراری هستند.

۱. When + ساده + حال ساده + آینده استمراری =  
حال ساده + when + آینده استمراری
۲. قید زمان آینده + at this time + آینده استمراری
۳. قید زمان آینده + all + آینده استمراری



### Examples / مثال‌ها

1. They **will be cooking when** you get home.

زمانی که به خانه می‌رسید آن‌ها مشغول آشپزی خواهند بود.

2. I **will be flying** to Paris at this time tomorrow.

فردا این موقع با هواپیما به پاریس خواهیم رفت.

3. I **will be working** all tomorrow morning.

تمام صبح فردا مشغول کار خواهیم بود.

4. At this time next month they **will be climbing** Mt. Everest.

ماه آینده چنین موقعی آن‌ها مشغول صعود به قله اورست خواهند بود.

5. When you get home, they **will be playing** chess.

وقتی شما به خانه برسید، آن‌ها مشغول بازی شطرنج خواهند بود.

6. **Will you be having** dinner at home this evening?

آیا امشب شام را در منزل صرف خواهید کرد؟

📌 برای پرسش در مورد نقشه‌ها و برنامه‌هایی که افراد دارند به خصوص زمانی که چیزی را می‌خواهیم و یا می‌خواهیم کسی کاری را برایمان انجام دهد، از آینده استمراری استفاده می‌کنیم. **مثال:**

A: How long **will you be using** this computer?

چه مدت از این کامپیوتر استفاده خواهید کرد؟

B: You can have it in 2 minutes.

دو دقیقه دیگر در اختیار شما خواهد بود.



## Conversation / مکالمه



**A:** What were you doing at the department store?

در آن فروشگاه بزرگ چی کاری می کردی؟

**B:** I was shopping for a new suit case.

داشتم یک چمدان جدید می خریدم.

**A:** What was your friend doing there?

دوستت آنجا چی کار می کرد؟

**B:** She was looking for a coat.

او دنبال یک کت بود.

## Test Yourself / فودآزمایی



### تمرین ۱



الف) جملات زیر را با کلمات داخل پرانتز تغییر زمان دهید.

1. My mother cooks dinner every night. (*when I arrived*)
2. Fred ate breakfast yesterday morning. (*when I came*)
3. Mina read a newspaper. (*when Ali opened the door*)
4. My sister washes the dishes every day. (*when I got home*)

ب) در جملات زیر شکل زمان گذشته ساده یا زمان گذشته استمراری افعال داخل پرانتز را به کار ببرید.

1. I ..... very diligently last night. (*study*)
2. I ..... last night when you called me on the phone. (*study*)
3. While I ..... home last night, I saw a bad accident. (*go*)
4. I ..... home last night by bus. (*go*)

### تمرین ۲



با استفاده از افعال داخل پرانتزها، زمان آینده استمراری را در جاهای خالی به کار ببرید.

1. This time tomorrow, I ..... football. (*play*)
2. I ..... all day tomorrow. (*work*)
3. This time tomorrow I ..... on a beach in Tunisia. (*lie*)
4. Don't telephone after eight - I ..... a dinner party. (*have*)
5. At this time next year, he ..... at the University of Illinois. (*study*)

### تمرین ۳



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. Shy ..... the dishes when I saw her.
 

a) washed	b) is washing
c) washes	d) was washing
2. What were you doing when your father ... ?
 

a) arrives	b) arrived
c) is arriving	d) arrive
3. .... Ali see the film yesterday?
 

a) Was	b) Does
c) Did	d) Do
4. Sally was ..... TV at 7.
 

a) watched	b) watch
c) watching	d) watches

- 5. When I saw them, they ..... football.**  
 a) were playing                      b) played  
 c) play                                      d) are playing
- 6. They were eating apples when I ..... them.**  
 a) see                                        b) am seeing  
 c) saw                                        d) sees
- 7. This time tomorrow I ..... in the park.**  
 a) will run                                 b) will be running  
 c) am running                             d) have run
- 8. At ten o'clock tomorrow morning. I ..... my music lesson.**  
 a) will be having                        b) had  
 c) have                                        d) am having
- 9. When you arrive, I ... .**  
 a) have slept                                b) slept  
 c) will be sleeping                        d) had slept
- 10. We'd better go out tomorrow because Helen ..... the piano all day.**  
 a) will practice                             b) has been practicing  
 c) will be practicing                        d) was practicing

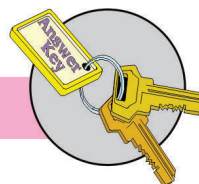
### تمرین ۴



#### معادل‌های انگلیسی جمله‌های زیر را بنویسید.

۱. دیروز در ساعت هفت بعدازظهر داشتید چه کار می‌کردید؟
۲. وقتی که امروز صبح بیدار شدم، خورشید می‌درخشید و پرندگان آواز می‌خواندند.
۳. وقتی که پیتر رسید، من داشتم به هری تلفن می‌زدم.
۴. هلن داشت کار می‌کرد، اما وقتی که مرا دید، کارش را متوقف ساخت.
۵. فردا در این موقع، مشغول بازی تنیس خواهی بود.
۶. وقتی شما به خانه برسید، آن‌ها مشغول آشپزی خواهند بود.
۷. پیتر در ساعت هفت صبح فردا مشغول امتحان دادن خواهد بود.
۸. من فردا تمام روز را مشغول رنگ کردن دیوارها خواهم بود.

Answer Key / پاسخ فوآزمایی



تمرین ۱



(الف)

1. My mother was cooking dinner when I arrived.
2. Fred was eating breakfast when I came.
3. Mina was reading a newspaper when Ali opened the door.
4. My sister was washing the dishes when I got home.

(ب)

1. I studied very diligently last night.
2. I was studying last night when you called me on the phone.
3. While I was going home last night, I saw a bad accident.
4. I went home last night by bus.

تمرین ۲



1. will be playing
2. will be working
3. will be lying
4. will be having
5. will be studying

تمرین ۳



۱. (d) به با توجه به جمله‌واری گذشته ساده + when، در جای خالی، گذشته استمراری به کار می‌رود.

۲. (b) که چون در طرف اول جمله زمان گذشته استمراری به کار رفته است، لذا بعد از کلمه‌ی when از زمان گذشته ساده استفاده می‌شود.

۳. (c) که قید زمان yesterday (دیروز) نشان‌دهنده‌ی زمان گذشته‌ی ساده است. برای سؤالی کردن زمان گذشته ساده قبل از فعل اصلی (see)، از did استفاده می‌شود.

۴. (c) که برای ساختن زمان گذشته استمراری، بعد از was و were از شکل ing فعل استفاده می‌شود.

۵. (a) که با توجه به جمله‌واره‌ی گذشته ساده + when، در جای خالی از زمان گذشته‌ی استمراری استفاده می‌شود.

۶. (c) که چون در طرف اول جمله زمان گذشته‌ی استمراری به کار رفته است، لذا بعد از when از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۷. (b) که با توجه به الگوی

#### قید زمان آینده + this time

در جای خالی از زمان آینده استمراری استفاده می‌کنیم.

۸. (a) که برای بیان کاری که در زمان مشخصی در آینده در حال انجام گرفتن خواهد بود، از زمان آینده استمراری استفاده می‌کنیم.

۹. (c) که با توجه به الگوی زیر، در جای خالی از زمان آینده استمراری استفاده می‌شود:

#### آینده استمراری + حال ساده + when

۱۰. (c) که با توجه به الگوی زیر، از زمان آینده استمراری استفاده می‌کنیم:

#### قید زمان آینده + all + آینده استمراری



1. What were you doing yesterday at seven p.m.?
2. When I got up this morning the sun was shining and the birds were singing.
3. When Peter arrived, I was telephoning Harry.
4. Helen was working, but when she saw me she stopped.
5. This time tomorrow you'll be playing tennis.
6. When you get home, they'll be cooking.
7. Peter will be taking his exam at 7 o'clock tomorrow morning.
8. I'll painting the walls all day tomorrow.



**Peace of mind doesn't come from having less problems- it comes from being less critical!**

*Andrew Mathews*

آرامش ذهنی نتیجه داشتن مشکلات کمتر نیست. بلکه نتیجه عیب جویی و خورده گیری کمتر است.

**اندرو متیوس**

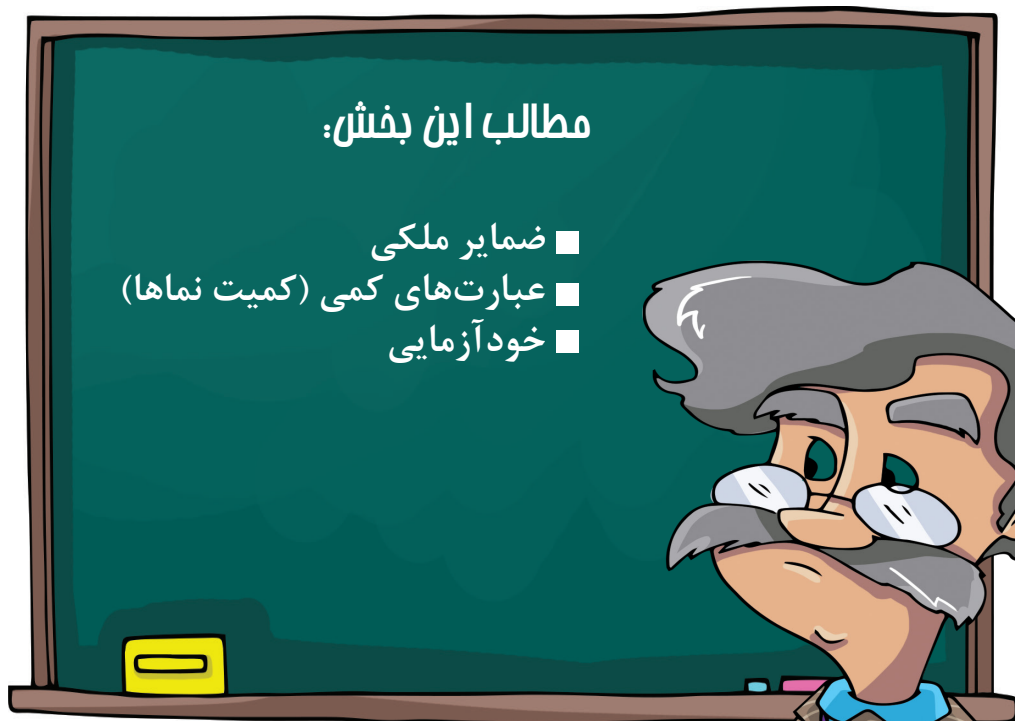




# فصل ۱۶

مطالب این بخش:

- ضمائر ملکی
- عبارتهای کمی (کمیت نماها)
- خودآزمایی





## Possessive Pronouns / ا. ضمایر ملکی

به جای صفت ملکی و اسم بعد از آن می‌توان از ضمایر ملکی استفاده کرد. **مثال:**  
این کیف او است.

This is **her** **bag**.  
صفت ملکی      اسم

This is **hers**.  
ضمیر ملکی      این مال او است.

به مقایسه صفات ملکی و ضمایر ملکی در جدول‌های زیر توجه نمایید:



صفات ملکی	
my	— من
your	— تو
his	— او (مذکر)
her	— او (مؤنث)
its	— آن (خنثی)
our	— ما
your	— شما
their	— آن‌ها

ضمایر ملکی	
mine	مال من
yours	مال تو
his	مال او (مذکر)
hers	مال او (مؤنث)
its	مال آن (خنثی)
ours	مال ما
yours	مال شما
theirs	مال آن‌ها



I → my → mine  
we → our → ours  
you → your → yours  
he → his → his  
she → her → hers  
they → their → theirs

It's **my** money.      It's **mine**.  
It's **our** money.      It's **ours**.  
It's **your** money.      It's **yours**.  
It's **his** money.      It's **his**.  
It's **her** money.      It's **hers**.  
It's **their** money.      It's **theirs**.

### More Examples / مثال‌های بیشتر



{ This is my house.  
{ This house is mine.


این خانه من است.  
این خانه مال من است.

{ This is our house.  
{ This house is ours.

این خانه ما است.  
این خانه مال ما است.

{ This is your house.  
This house is yours.

این خانه شما است.  
این خانه مال شما است.

در صفات ملکی کلمات **his** و **its** به حرف **s** ختم می‌شوند و در ضمایر ملکی تمام کلمات بجز **mine**، حرف **s** دارد. 



## ۲. عبارتهای کمی (کمیت‌نماها) / Quantity Expressions

این کلمات عبارتند از:

**a little, little, many, much, some, any, a few, few, a lot of**

### Much, Many

**many** به معنی «زیاد» با اسامی جمع به کار می‌رود. مثال:

I don't have **many books**.

کتاب‌های زیادی ندارم.

How **many pencils** do you want?

چند تا مداد می‌خواهی؟

**much** به معنی «زیاد» با اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌رود. مثال:

There isn't **much water** in the glass.

آب زیادی در لیوان نیست.

I don't have **much time**.

وقت زیادی ندارم.



صحیح‌تر است **much** و **many** در جملات منفی و سؤالی به کار روند. در جملات مثبت می‌توان به جای **much** و **many** از **a large number of**، **amount of**، **a large**، **a great deal of**، **lots of**، **a lot of** و **a large number of**، **amount of** کلمات مشابه استفاده کرد. مثال:

George has **a lot of** books.

جورج کتاب‌های زیادی دارد.

We have **a lot of** sugar.

ما شکر زیادی داریم.



**a lot of** (تعداد یا مقدار زیادی) هم با اسامی قابل شمارش و هم با اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌رود. **مثال:**

There is **a lot of** butter on the plate. مقدار زیادی کره در بشقاب است.  
 اسم قابل شمارش

He has **a lot of** books. او تعداد زیادی کتاب دارد.  
 اسم قابل شمارش

### Little و A Little

**a little** به معنی «کمی» معادل **some** (مقداری) و **little** به معنی «کم، اندک» معادل **not much** با اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌روند. **مثال:**

1. There is **a little water** in the glass. = There is some water in the glass.  
 کمی آب در لیوان است.
2. There is **little water** in the glass. = There isn't much water in the glass.  
 اندکی آب در لیوان است. (خیلی کم به طوری که کافی نیست).



**a little** در جمله‌ی اول مفهوم مثبت دارد، اگر چه آب کمی در لیوان است ولی قابل خوردن است. **little** در جمله‌ی دوم مفهوم منفی دارد و نشان می‌دهد آب برای نوشیدن کافی نیست.

«استاد ممکنه در مورد تفاوت **a lot of** و **lots of** توضیح بدید؟»



«تفاوت زیادی بین **a lot of** و **lots of** وجود نداره؛ هر دوی این عبارت‌ها رو می‌توانیم با کلمات مفرد (غیرقابل شمارش) یا جمع به کار ببریم. وقتی که **a lot (of)** رو همراه با کلمه جمع به کار می‌بریم، فعل رو هم به صورت جمع به کار می‌بریم؛ و وقتی که **lots (of)** رو با کلمه مفرد (غیرقابل شمارش) به کار می‌بریم، فعل رو هم به صورت مفرد به کار می‌بریم.»

جمله‌های زیر رو مقایسه کنید.

**A lot of us were** invited at the last minute.

بسیاری از ما را در آخرین لحظه دعوت کردند.

“Where are my **shirts**?” – “There **are a lot** in the washing machine.”

«پیراهن‌های من کجا هستند؟» – «خیلی از آن‌ها توی ماشین لباسشویی هستند.»

**There's still lots of snow** in the garden.

هنوز در باغ برف زیادی هست.



a lot رو می‌تونیم به تنهایی به کار ببریم.

Jane talks **a lot**.

جین خیلی حرف می‌زند.



کلماتی مثل lot و plenty بیشتر در گفتگوها به کار می‌روند. در سبک رسمی‌تر، معمولاً به جای many و much عبارتهای زیر به کار می‌رود:

کلمه جمع + (of) + a large number

کلمه مفرد + (of) + a great deal

مثال:

Mr Lucas has spent **a great deal of time** in Far East.

آقای لوکاس مدت زیادی را در خاور دور گذرانده است.

The auditors have found **a large number of mistakes** in the accounts.

حسابرس‌ها در حساب‌ها اشتباهات زیادی پیدا کردند.

به کاربرد **little** در لطیفه زیر توجه نمایید.





a Joke / لطیفه

### Searching for Hair

جستجو برای یافتن مو



*Baldheaded Gent:* "You ought to cut my hair cheaper, there's so **little** of it."

*Barber:* "Oh, no. In your case we don't charge for cutting the hair, we charge for having to search for it."

آقای کله تاس: « شما باید موهای مرا ارزان تر اصلاح کنید، چون موهای من کم است.»  
 آرایشگر: « اوه، نه، در مورد شما برای اصلاح مو پول نمی گیریم. ما به خاطر دنبال مو گشتن پول می گیریم.»

### FEW , A FEW

**a few** به معنی «کمی»، معادل **some** (تعدادی، کمی) و **few** به معنی «اندک، کم»، معادل **not many** هر دو با اسامی جمع به کار می روند. **مثال:**

1. Peter has **a few friends**. = Peter has some friends. پیتر تعدادی دوست دارد.

2. Peter has **few friends**. = Peter has not many friends. پیتر دوستان کمی دارد.

**a few** در جمله‌ی اول مفهوم مثبت دارد. **few** در جمله‌ی دوم مفهوم منفی دارد. 🖐️



## نکات ویژه / Special Tips



**the few** به معنی «گروه معدود / اندک» برای شرح مطلب مثبت به کار می‌رود. **مثال:**  
**The few** books he has are well used.

او از کتاب‌های کمی که دارد خوب استفاده می‌کند.



**the little** به معنی «اندک / کم» با مفهوم مثبت به کار می‌رود.  
**The little** of his work that I have seen is excellent.

اندکی از کار او را که دیده‌ام عالی است.



**only a few** و **only a little** حالت منفی دارند و نشان‌دهنده مقدار و تعداد کم می‌باشند که برای رفع نیاز کافی نیست. **مثال:**  
 I can't buy anything else. I have **only a little** money left.

نمی‌توانم هیچ چیز دیگری بخرم. پول خیلی کمی برایم باقی مانده است.

**Only a few** people are perfectly bilingual.

فقط عدد معدودی دو زبانه کامل هستند.

## SOME و ANY

**some** (مقداری، تعدادی) مقدار نامعینی از چیزهای قابل شمارش یا غیرقابل شمارش را نشان می‌دهد.

با اسامی غیرقابل شمارش مانند:

**some** bread

مقداری نان

**some** milk

مقداری شیر

**some** sugar

مقداری شکر

**some** tea

مقداری چای

با اسامی قابل شمارش مانند:

**some** books

تعدادی کتاب

**some** pencils

تعدادی مداد

**some** rulers

تعدادی خط‌کش

**some** pens

تعدادی قلم

نوبه



**some** در جملات مثبت به کار می‌رود. مثال:

I have **some** pens.

من تعدادی خودکار دارم.

There is **some** water in the glass.

مقداری آب در لیوان است.



نکته



هرگاه انتظار پاسخ مثبت را داشته باشیم می‌توانیم در جمله‌های پرسشی نیز از **some** استفاده کنیم. مثال:

would you like **some** more tea?

باز هم چای میل دارید؟

مشتقات **some** نیز در جملات مثبت به کار می‌روند. مشتقات **some** عبارتند از:



someone

کسی، شخصی

somewhere

جایی

somebody

کسی

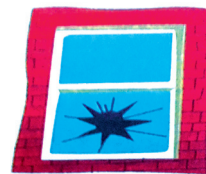
something

چیزی

مثال‌ها:

**Somebody** has broken the window.

کسی شیشه پنجره را شکسته است.



There is **something** in her mouth.

چیزی در دهانش است.







Tom lives **somewhere** near London.

تام جایی نزدیک لندن زندگی می‌کند.

**some** را می‌توانیم با اسم قابل شمارش مفرد به معنی «یک» «ی» به کار ببریم. در این حالت، **some** معمولاً بیانگر عدم علاقه یا رنجش است. **مثال:**

There must be **some mistake**. باید اشتباهی شده باشد.

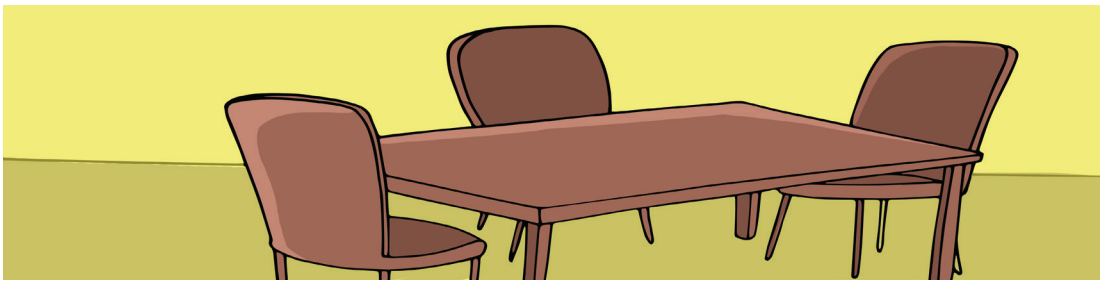
There must be **some job** I could do. باید یک کاری باشد که من بتوانم بکنم.

**any** به معنی «هیچ» در جملات منفی یا سؤالی به کار می‌رود. **مثال:**



He hasn't got **any** money.

او هیچ پولی ندارد.



Is there **any** food on this table?

آیا غذایی روی این میز است؟



معمولاً **any** با اسم غیرقابل شمارش و اسم جمع به کار می‌رود، نه با اسم مفرد قابل شمارش. می‌گوییم:  
I haven't got a car. ماشین ندارم.

اما نمی‌گوییم:

I haven't got any car.



مشتقات any نیز در جملات منفی و سؤالی به کار می‌روند. مشتقات any عبارتند از:

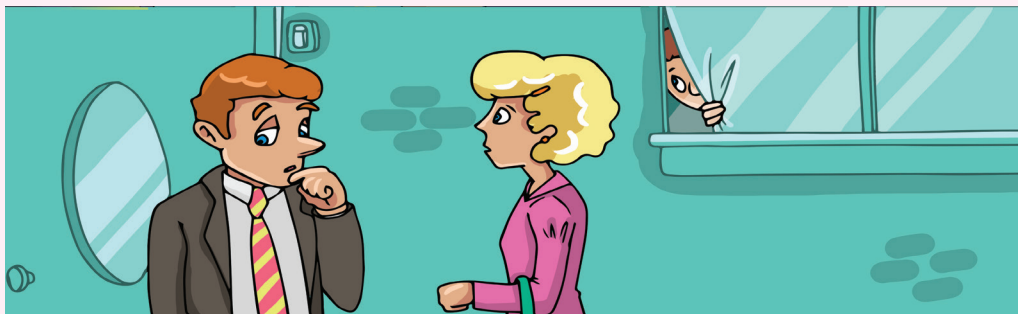
anybody	هیچ کس، کسی	anywhere	هیچ جا، جایی
anything	هیچ چیز، چیزی	anyone	هیچ کس، کسی



any در جملات مثبت با اسامی قابل شمارش مفرد نیز به معنای «هر» به کار می‌رود. از any به این معنا زمانی استفاده می‌شود که در مورد یک فرد یا یک چیز از یک مجموعه صحبت می‌کنیم و مهم نیست آن فرد یا آن چیز کدام عضو مجموعه باشد. **مثل:** هر معلمی، هر رنگی.

**Any** teacher likes the idea.

هر معلمی از این ایده خوشش می‌آید.



Is there **anyone** at home?

آیا کسی در خانه است؟



Is there **anything** in that box?

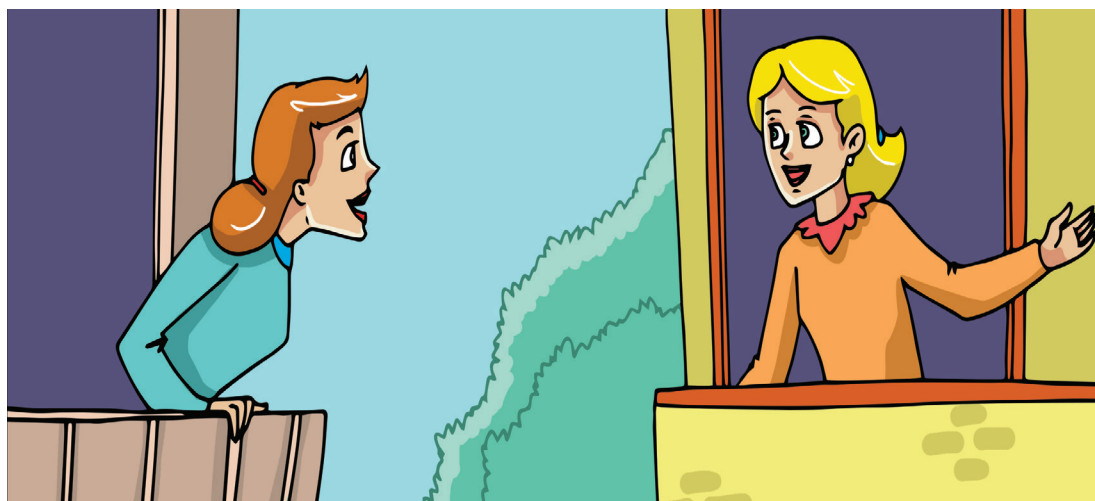
آیا چیزی در آن جعبه است؟



I couldn't find my pen **anywhere**.

هیچ جا نتوانستم خودکارم را پیدا کنم.

## Conversation / مکالمه



**A:** Are there many rooms in their apartment?

در آپارتمان آن‌ها اتاق‌های زیادی هست؟

**B:** Yes, there are. About six, I think.

بله، هست. فکر می‌کنم، در حدود شش اتاق (باشد).

**A:** Is there much light in the apartment.

نور زیادی در آپارتمان هست؟

**B:** No, there isn't because there are very few windows.

نه، نیست، چون پنجره‌های خیلی کمی وجود داره.

Test Yourself

فودآزمایی



تمرین ۱



جملات زیر را با صفت ملکی یا ضمیر ملکی کامل کنید.

1. Mary lost ..... pen. Will you please lend her ... ?
2. I was on time for ..... class, but Helen was late for ... .
3. They have ..... methods for travel and we have ... .
4. This magazine belongs to Miss Jefferson. This is ... .
5. I found ..... notebook, but Jack couldn't find ... .

تمرین ۲



الف) جمله‌های زیر با **some** یا **any** کامل کنید.

1. I don't have ..... money with me.
2. Please give me ..... more coffee.
3. I'm sorry, but there isn't ..... more coffee.
4. We need ..... oranges for breakfast.
5. There aren't ..... seats available.

ب) جمله‌های زیر را با **much** یا **many** کامل کنید.

1. There aren't ..... large factories in this town.
2. He doesn't spend ..... time on his English.
3. Does she spend ..... money on clothes?
4. There aren't ..... mountains in that part of the country.



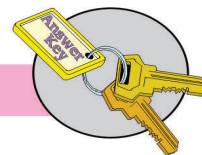
تمرین ۴



معادل‌های انگلیسی جمله‌های زیر را بنویسید.

۱. افراد معدودی از مار خوششان می‌آید.
۲. شما چیزی گفتید؟
۳. کسی در اتاق هست.
۴. این ساعت مال من است.
۵. پیتر کاملاً تنها نیست. او هنوز چند تا دوست دارد.

پاسخ خودآزمایی / Answer Key



تمرین ۱



1. Mary lost **her** pen. Will you please lend her **Yours**?

مری خودکارش را گم کرده. لطفاً ممکنه مال خودت را به او قرض بدهی؟

2. I was on time for **my** class, but Helen was late for **hers**.

من به موقع به کلاسم رسیدم، اما هلن دیر به کلاسش رسید.

3. They have **their** methods for travel and we have **ours**.

آن‌ها روش‌های خود را برای سفر دارند و ما روش‌های خود را داریم.

4. This magazine belongs to Miss Jefferson. This is **hers**.

این مجله به خانم جفرسون تعلق دارد. این مال اوست.

5. I found **my** notebook, but Jack couldn't find **his**.

من دفترم را پیدا کردم، اما جک نتوانست مال خودش را پیدا کند.

## تمرین ۲




## (الف)

۱. (any) که « من با خودم هیچ پولی ندارم. »
۲. (some) که « لطفاً مقدار بیشتری قهوه‌ای به من بده. »
۳. (any) که « متأسفم، اما دیگر هیچ قهوه‌ی موجود نیست. »
۴. (some) که « ما برای صبحانه تعدادی پرتقال لازم داریم. »
۵. (any) که « هیچ صندلی موجود نیست. »

## (ب)

۱. (many) که « در این شهر کارخانه‌های بزرگ زیادی وجود دارد. »
۲. (much) که « او وقت زیادی را صرف انگلیسی‌اش نمی‌کند. »
۳. (much) که « آیا او پول زیادی را صرف لباس می‌کند. »
۴. (many) که « در این بخش از کشور کوه‌های زیادی وجود ندارند. »
۵. (much) که « آیا نفت زیادی در ونزوئلا وجود دارد؟ »
۶. (many) که « در هفته چند بار به سینما می‌روی. »

هرگاه **times** به مفهوم دفعات به کار رود در این صورت قابل شمارش است و 

می‌توان قبل از آن از **many** استفاده کرد.

تمرین ۳



۱. (b) که در جمله منفی any به کار می‌رود.
۲. (c) که در جمله مثبت، قبل از اسم جمع قابل شمارش از some استفاده می‌شود.
۳. (a) که در جمله منفی anything به کار می‌رود.
۴. (b) که ضمیر ملکی مؤنث (hers) برای چینی که مؤنث است به کار رفته است.
۵. (b) که قبل از اسم جمع از few استفاده می‌شود. few مفهوم منفی به جمله می‌دهد.
۶. (c) که قبل از اسم مفرد غیرقابل شمارش، a little به کار می‌رود.

تمرین ۴



1. Few people like snakes.
2. Did you say anything?
3. There is someone in the room.
4. This watch is mine.
5. Peter is not completely alone. He still has a few friends.



# فصل ۱۷

مطالب این بخش:

- فرق **no** و **not**
- کاربرد اسم به عنوان توصیف کننده
- افعال حسی
- خودآزمایی





## ۱. فرق Not و No

No صفت است و اسم را توصیف می‌کند اما Not قید است و برای توصیف فعل، صفت و قید دیگری به کار می‌رود. به الگوی زیر توجه کنید:

No + اسم  
صفت

### مثال:

I have no money.  
صفت      اسم

من هیچ پولی ندارم

There's **no** water in the jug.

هیچ آبی در پارچ نیست.

به مثال‌های تصویری زیر توجه کنید:



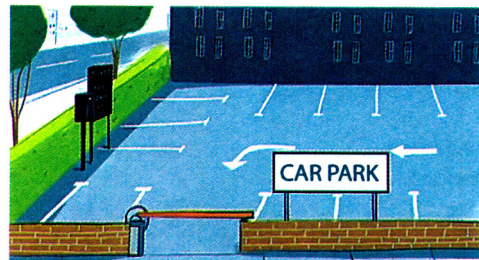
The car park is empty.

پارکینگ خالی است.

There aren't **any** cars in the car park.

= There are **no** cars.

هیچ اتومبیلی در پارکینگ نیست.



A: How many cars are there in the car park?

چند تا اتومبیل در پارکینگ هست؟

B: **None**.

هیچی.

نوبه

none (هیچی، هیچ چیزی، هیچ کس، هیچ کدام) ضمیر است و بدون اسم به کار می‌رود. **مثال:**

There's **none** in the house.

هیچ کس در خانه نیست.



none معمولاً همراه با of می‌آید. **مثال:**  
هیچ کدام از آنها تلفن نکردند.

**None of** them phoned.



no و مشتقاتش جمله را منفی می‌کنند. در این صورت نیازی به کلمه‌ی not در جمله نیست. مشتقات no عبارتند از:

nobody	هیچ کس	nothing	هیچ چیز
no one	هیچ کس	nowhere	هیچ جا

### More Examples / مثال‌های بیشتر



There's **nobody** at home.

هیچ کس در خانه نیست.

There's **nothing** in the box.

چیزی (هیچ چیز) در جعبه نیست.

There is **nothing** in the bag.

چیزی در کیف نیست.

There's **nowhere** to stay in this village.

در این روستا، جایی برای اقامت نیست.



کلماتی مانند **nowhere** ، **nothing** ، ضمایر نامعین نامیده می‌شوند. در مورد این نوع کلمات، صفت بعد از آن‌ها قرار می‌گیرد:

**nothing** important

هیچ چیز مهمی

**nothing** interesting

هیچ چیز جالبی

به کاربرد **nothing** در لطفه زیر توجه نمایید.





Joke / لطیفه

### تولد همسرم My wife's Birthday



“You forgot your wife’s birthday?”  
“Yes, I did.”  
“Crikey! What did she say?”  
“**Nothing.**”  
“That’s right **Nothing** ... for three weeks.”

«روز تولد همسرت را فراموش کردی؟»

«بله فراموش کردم.»

«وای! او چه گفت؟»

«هیچی.»

«درست است. هیچی ... به مدت سه هفته.»



no به جای not any به کار می‌رود. مثال:

Ali has not any money.

Ali has **no** money.

I have **not any** books.

I have **no** books.

علی هیچ پولی ندارد.

علی هیچ پولی ندارد.

من هیچ کتابی ندارم.

من کتاب ندارم.



not طبق الگوی زیر به کار می‌رود.

**NOT** + فعل / صفت / قید + قید

### مثال:

There are not many students in the class.

اسم صفت قید

دانش‌آموزان زیادی در کلاس نیستند.

There is not any sugar in my cup.

اسم صفت قید

در فنجان من (هیچ) شکر نیست.

Peter does not work very well.

قید قید

پیتر خیلی خوب کار نمی‌کند.

I do not have much money.

فعل قید

من پول زیادی ندارم.



قبل از اسم، صفت قرار می‌گیرد.

استاد بخششید، می‌تونیم no رو قبل از صفت تفضیلی به کار ببریم؟



بله، no رو به معنی «نه اصلاً» به عنوان قید می‌تونیم قبل از صفت‌های تفضیلی به کار ببریم. **مثال:**

Are you really fifty? You look **no older** than thirty-five.

واقعاً پنجاه سال است؟ اصلاً بیشتر از سی و پنج سال نشان نمی‌دهی.

I hadn't seen him for fifteen years, but he was **no different**.

پانزده سال بود او را ندیده بودم، اما فرقی نکرده بود.



## نکات ویژه / Special Tips



اگر بخواهیم بر روی مفهوم منفی تأکید کنیم، **no** را در ابتدای جمله نیز می‌توانیم بیاوریم. **مثال:**  
**No cigarette** is completely harmless. هیچ سیگاری کاملاً بی‌ضرر نیست.

**No money?** How do you expect me to work without money?

پولی در کار نیست؟ چطور انتظار داری بدون پول کار کنم؟



به عبارتهای **no good** و **no use** توجه کنید. **مثال:**

I'm **no good** at tennis.

بازی تنیس من تعریفی ندارد.

It's **no use** crying over spilt milk.

روغن ریخته جمع نمی‌شود. (ضرب‌المثل)



**no** را معمولاً با شکل **-ing** فعل‌ها برای بیان اینکه چیزی مجاز نیست، به کار می‌بریم. **مثال:**  
**No SMOKING** سیگار نکشید.

**No PARKING** پارک نکنید.

Sorry- there's **no smoking** in the waiting-room.

متأسفم- در اتاق انتظار نمی‌شود سیگار کشید.



معمولاً **not** را برای منفی کردن جمله، یا بخشی از یک جمله به کار می‌بریم. **مثال:**  
 I can see you tomorrow, but **not** on Thursday or Friday.

فردا می‌توانم شما را ببینم، اما پنج‌شنبه یا جمعه نمی‌توانم.

«Who's paying?» - «**Not** me.»

«چه کسی پول می‌دهد؟» - «من نمی‌دهم.»



## ۲. کاربرد اسم + اسم

وقتی می‌خواهیم از نوع چیزی یا کسی صحبت کنیم می‌توانیم دو اسم را در کنار هم بیاوریم. در این صورت اسم اول نقش صفت را ایفا می‌کند و اسم دیگر را توصیف می‌کند. به این دلیل اسم اول جمع بسته نمی‌شود و معمولاً به صورت مفرد به کار می‌رود. **مثال:**

**milk** chocolate

شکلات شیری

**flower** shop

گل فروشی

**hotel** receptionist

متصدی پذیرش هتل

**history** teacher

معلم تاریخ

**chicken** soup

سوپ مرغ

I have bought the **train** tickets.

من بلیت‌های قطار را خریده‌ام.

اسم (صفت)      اسم

There is a **bus** station over there.

یک ایستگاه اتوبوس آنجا است.

اسم (صفت)      اسم

## More Examples / مثال‌های بیشتر



**What do we call ...?**

چه می‌نامیم ...؟

a student who studies history = *a history student*

دانشجویی که تاریخ می‌خواند = دانشجوی تاریخ

a factory which makes bicycles = *a bicycle factory*

کارخانه‌ای که دوچرخه می‌سازد = کارخانه دوچرخه‌سازی

a store which sells shoes = *shoe store*

مغازه‌ای که کفش می‌فروشد = مغازه کفشی (کفش فروشی)

a driver who drives a car = *a car driver*

راننده‌ای که ماشین می‌راند = راننده ماشین (اتومبیل)

a book which is about history = *a history book*

کتابی که درباره تاریخ است = کتاب تاریخ

a story which is about life = *a life story*

داستانی که درباره زندگی است = داستان زندگی

a story which is about war = *a war story* داستانی که درباره جنگ است = داستان جنگی

a book which is about grammar = *a grammar book*

کتابی که درباره دستور زبان است = کتاب دستور زبان

a bridge which is made of stone = *a stone bridge*

پلی که از سنگ ساخته شده = پل سنگی

milk which has chocolate in it = *chocolate milk*

شیری که کاکائو (شکلات) در آن است = شیر کاکائو

dishes which are made of iron = *iron dishes*

ظروفی که از آهن ساخته شده‌اند = ظروف آهنی

a plane which is made of paper = *a paper plane*

هوایمایی که از کاغذ ساخته شده = هوایمای کاغذی

flowers that grow in spring = *spring flowers*

گل‌هایی که در بهار می‌رویند = گل‌های بهاری

winds that blow in winter = *winter winds*

بادهایی که در زمستان می‌وزند = بادهای زمستانی

workers who work at night = *night workers*

کارگرانی که در شب کار می‌کنند = کارگران شب کار

newspapers that are published in the evening = *evening newspapers*

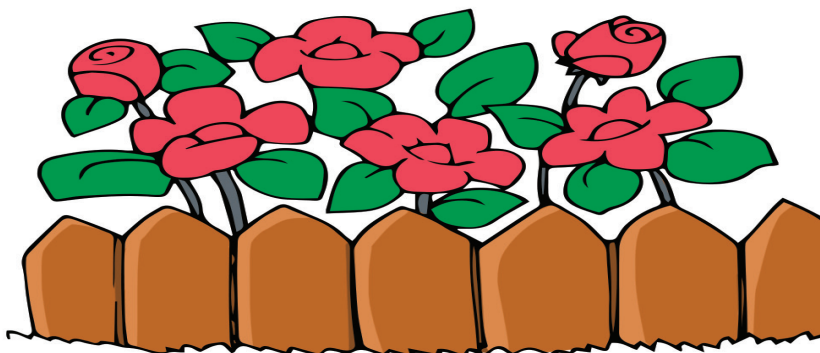
روزنامه‌هایی که عصر منتشر می‌شوند = روزنامه‌های عصر

plants that grow in mountains = *mountain plants*

گیاهانی که در کوه‌ها می‌رویند = گیاهان کوهی

flowers that grow in gardens = *garden flowers*

گل‌هایی که در باغ (باغچه) می‌رویند = گل‌های باغ (باغچه‌ای)





desks that are used in offices = *office desks*

میز تحریرهایی که در ادارات استفاده می‌شوند = میز تحریرهای اداری

fish that live in rivers = *river fish*

ماهی‌هایی که در رودخانه زندگی می‌کنند = ماهی‌های رودخانه‌ای

the windows of a car = *the car windows*

پنجره‌های یک اتومبیل = پنجره‌های اتومبیل

the legs of a table = *the table legs*

پایه‌های یک میز = پایه‌های میز

the doors of a house = *the house doors*

درهای یک خانه = درهای خانه

the hands of a clock = *the clock hands*

عقربه‌های یک ساعت = عقربه‌های ساعت



اسم اول که نقش صفت را دارد جمع بسته نمی‌شود. **مثال:**

*office desks* (صحیح)

*offices desks* (غلط)

در این نوع عبارت‌ها، اسم اول که نقش توصیف‌کننده اسم دوم را دارد، بیانگر جنس، نوع، محل، زمان و هدف اسم دوم است و یا بین اسم اول و دوم رابطه مالکیت وجود دارد، به عبارت دیگر همان مضاف و مضاف‌الیه فارسی، وقتی می‌گوییم: "a kitchen table" یعنی میزی که محل آن در آشپزخانه است و یا "a brick house" یعنی خانه‌ای که جنس آن از آجر است.



اصطلاحات و عبارت‌های جمع نیز که با اعداد ساخته می‌شوند، وقتی به صورت صفت به کار می‌روند، به صورت مفرد در می‌آیند. **مثال:**

*five pounds*

اسم

پنج پوند

a *five-pound* note

صفت

یک اسکناس پنج پوندی

*three men*

سه مرد

a *three - man* expedition

هیئت اعزامی سه نفره

*five dollars*

پنج دلار

two *five-dollar* tickets

دو بلیت پنج دلاری



## مکالمه / Conversation



**A:** May I take your order?

چی میل دارید؟ (می تونم سفارشتون رو بگیرم؟)

**B:** Yes, please. I'll have chicken soup.

بله، لطفاً. سوپ جوجه می خوام.

**A:** Anything to drink?

نوشیدنی چی؟ (نوشیدنی هم میل دارید؟)

**B:** No, thanks. I'm on a diet.

نه، ممنون من رژیم دارم.



## افعال حسی / Verbs of Perception

افعال حسی عبارتند از:

see	دیدن	watch	تماشا کردن
notice	توجه کردن، دیدن	hear	شنیدن
listen	گوش کردن	feel	احساس کردن
smell	بویدن	find	دریافتن، دیدن

### رابطه دو فعل

⚠ بعد از افعال حسی، فعل دوم به صورت مصدر بدون to یا به شکل ing به کار می رود. **مثال:**

He locked the door. I saw him.

او در را قفل کرد. من او را دیدم.

I **saw** him **locking** the door.

او را در حال قفل کردن در دیدم. (بخشی از عمل را دیدم).

I saw him lock the door.

فعل حسی

مصدر بدون to

من او را دیدم که در را قفل کرد. (عمل بستن در به طور کامل انجام شده)

نکته!

اگر کل عمل را ببینیم، بعد از افعال حسی از مصدر بدون to استفاده می‌کنیم. در جمله فوق عمل بستن در به طور کامل دیده شده است.

نکته!

اگر بخشی از عمل را ببینیم از **ing + فعل** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های تصویری زیر توجه نمایید.



I saw him **eating** the cake.

فعل حسی

او را در حال خوردن کیک دیدم.



I saw him **eat** the cake.

فعل حسی

او را دیدم که کیک را خورد.



در جملهٔ اول بخشی از عمل دیده شده اما در جملهٔ دوم کل عمل دیده شده است و همهٔ کیک خورده شده است.

🕒 بعد از افعال **smell** و **find**، فعل بعدی فقط با **ing** به کار می‌رود. **مثال:**

Can you **smell** something **burning**?

آیا می‌توانید بوی چیزی را که می‌سوزد احساس کنید (بفهمید)؟

I **found** him **reading** a book.

من او را دیدم که کتاب می‌خواند.



## فودآزمایی / Test Yourself

### تمرین ۱



الف) ترکیب **not ... any** را به **no**، همین‌طور **no** را به **not ... any** تبدیل کنید.

\* I haven't got any American friends ... .

**I've got no American friends.**

1. She speaks no German. She doesn't ... .
2. He wrote no letters to her... .
3. We don't get any rain here... .
4. There isn't any post on Sundays... .
5. She hasn't got any brothers or sisters... .

ب) در جاهای خالی **no** یا **none** بگذارید.

1. .... of these telephones work.
2. I had ..... difficulty understanding her.
3. There are ..... trains after midnight.
4. Did you buy milk? There's ..... in the fridge.
5. .... of us can play the piano.

## تمرین ۲



الف) برای هر یک از عبارات زیر یک ساختار اسم + اسم بنویسید.

\* soup with chicken in it. **chicken soup**

1. a box made of metal .....
2. cakes with chocolate in them .....
3. a fork made of plastic .....
4. shirts made of cotton .....
5. salad with tomatoes in it .....

## تمرین ۳



زیر کلمه صحیح خط بکشید.

1. My brother is a (student geography - geography student).
2. Peter's uncle gave him a twenty (dollar- dollars) bill.
3. David works in a (factory bicycle- bicycle factory).
4. It is not a (paper tiger - tiger paper). It is a real tiger.

## تمرین ۴



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. Did his father eat ..... in the park?
 

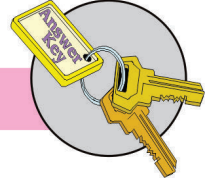
a) anything	b) something
c) nothing	d) some
2. Do you have any money? No, I have ..... money.
 

a) a	b) no
c) any	d) some
3. I opened the door, but I could see ..... .
 

a) nobody	b) anybody
c) anything	d) anyone



## Answer Key / پاسخ فوڈ آزمای



## تمرین ۱



(الف)

1. She doesn't speak any German.
2. He didn't write any letters to her.
3. We get no rain here.
4. There is no post on Sundays.
5. She's got no brothers or sisters.

(ب)

1. None
2. no
3. no
4. none
5. None

## تمرین ۲



- |                   |                    |
|-------------------|--------------------|
| 1. a metal box    | 2. chocolate cakes |
| 3. a plastic fork | 4. cotton shirts   |
| 5. tomato salad   |                    |

## تمرین ۳



- |                      |                |
|----------------------|----------------|
| 1. geography student | 2. dollar      |
| 3. bicycle factory   | 4. paper tiger |

تمرین ۴



۱. (a) **که** any و مشتقات آن در جمله منفی یا سؤالی به کار می‌روند.

۲. (b) **که** no کلمه جمله را منفی می‌کند. حرف تعریف نامعین a قبل از money که غیرقابل شمارش است، به کار نمی‌رود. any در جمله منفی یا سؤالی و some در جمله مثبت به کار می‌رود.

۳. (a) **که** nobody (هیچ‌کس) جمله را منفی می‌کند و any و مشتقات آن در جمله‌های منفی یا سؤالی به کار می‌روند.

۴. (c) **که** با توجه به معنی جمله، کلمه‌ی nothing (هیچ‌چیز) صحیح است.

۵. (a) **که** در عبارت stone bridge (پل سنگی)، stone نقش صفت را دارد.

۶. (b) **که** در گزینه (b) تأکید روی flower (گل) است.

۷. (c) **که** بعد از فعل (find (found) از (ing + فعل) استفاده می‌شود.

۸. (a) **که** بعد از hear از (ing + فعل) یا مصدر بدون to استفاده می‌کنیم.

تمرین ۵



1. I have no brothers or sisters.
2. There was nobody at home.
3. There's nothing in my pocket.
4. Tom told me something very interesting.
5. Peter bought one ten-pound shirt.
6. Please give me two ten-dollar tickets.
7. I saw him/her walking along the street.



# فصل ۱۸

## مطالب این بخش:

- زمان حال کامل (ماضی نقلی)
- موارد استفاده زمان حال کامل
- خودآزمایی





## The Present Perfect Tense / ا. زمان حال کامل (ماضی نقلی)

این زمان نشان می‌دهد که کاری در گذشته، در یک زمان معین اتفاق افتاده ولی اثر و نتیجه‌اش هنوز تا زمان حال باقی است، به مثال‌های تصویری زیر توجه نمایید.

His shoes are dirty.

کفش‌های او کثیف هستند. (زمان حال ساده)



He is cleaning his shoes.

او مشغول تمیز کردن کفش‌هایش است. (زمان حال استمراری)



He **has cleaned** his shoes. = (His shoes are clean now.)

او کفش‌هایش را تمیز کرده است. (= کفش‌های او اکنون تمیز هستند.)



همچنین برای بیان طول عملی که از گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه دارد، می‌توان از این زمان استفاده کرد. **مثال:**

I **have worked** here for two years.

دو سال تاکنون اینجا کار کرده‌ام.

**طرز ساختن در زبان فارسی:** اسم مفعول یا صفت مفعولی را می‌نویسیم و با الفظ (ام، ای، است، ایم، اید، اند) صرف می‌نماییم. برای ساختن اسم مفعول علامت مصدر را که «ن» است حذف می‌کنیم و به جای آن «ه» قرار می‌دهیم:

گفتن ← گفت ← گفته      رفتن ← رفت ← رفته

**مثال:** فعل رفتن را در زمان حال کامل (ماضی نقلی) صرف می‌کنیم:

مفرد	جمع
رفته‌ام.	رفته‌ایم
رفته‌ای.	رفته‌اید.
رفته است.	رفته‌اند.



طرز ساختن زمان حال کامل در زبان انگلیسی: برای ساختن این زمان از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

اسم مفعول فعل اصلی + have / has + فاعل



در زبان انگلیسی افعال دارای سه قسمت زیر هستند:

۱. زمان حال present

۲. زمان گذشته past

۳. اسم مفعول past participle

و افعال از نظر صرف شدن به دو دسته تقسیم می‌شوند:

## Regular Verbs

الف- افعال با قاعده

## Irregular Verbs

ب- افعال بی قاعده

الف- افعال با قاعده: افعالی هستند که در زمان گذشته و اسم مفعول ed به آخرشان اضافه می‌شود و اگر فعل به e ختم شده باشد، فقط d اضافه می‌گردد. مانند:

اسم مفعول	زمان گذشته	زمان حال
worked	worked	کار کردن work
lived	lived	زندگی کردن live
played	played	بازی کردن play



برای ساختن زمان گذشته ساده از گذشته فعل استفاده می‌شود و اسم مفعول در ساختن زمان‌های حال کامل، گذشته کامل و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال:

I work.

کار می‌کنم. (زمان حال ساده)

I worked.

کار کردم. (زمان گذشته ساده)

I have worked.

کار کرده‌ام. (زمان حال کامل)

He plays.

او بازی می‌کند. (زمان حال ساده)

He played.

او بازی کرد. (زمان گذشته ساده)

He has played.

او بازی کرده است. (زمان حال کامل)

**ب- افعال بی‌قاعده:** افعالی هستند که قاعده خاصی ندارند و باید آنها را به تدریج در جملات یاد گرفت. **مانند:**

اسم مفعول	زمان گذشته	زمان حال
seen	saw	دیدن
done	did	انجام دادن
gone	went	رفتن
been	was-were	بودن



### مثال‌ها:

I see you.

شما را می‌بینم. (حال ساده)

I saw you.

شما را دیدم. (گذشته ساده)

I have seen you.

شما را دیده‌ام. (حال کامل)

He goes home.

او به خانه می‌رود. (حال ساده)

He went home.

او به خانه رفت. (گذشته ساده)

He has gone home.

او به خانه رفته است. (حال کامل)

**مثال:** فعل **to work** (کار کردن) را در زمان حال کامل صرف می‌کنیم:

Singular	مفرد	Plural	جمع
I have worked.	کار کرده‌ام.	We have worked.	کار کرده‌ایم.
You have worked.	کار کرده‌ای.	You have worked.	کار کرده‌اید.
He She It	} has worked. کار کرده است.	They have worked.	کار کرده‌اند.





همانطوری که ملاحظه می‌کنید، فعل کمکی **has** فقط در سوم شخص مفرد (he, she, it) به کار می‌رود.

**طریقه منفی کردن زمان حال کامل:** برای منفی کردن این زمان **not** را بعد از **have** یا **has**

قرار می‌دهیم. **مثال:**

Ali has played football.

علی فوتبال بازی کرده است.

Ali has **not** played football.

علی فوتبال بازی نکرده است.

**طریقه‌ی سؤالی کردن زمان حال کامل:** برای سؤالی کردن این زمان **have** یا **has** را قبل از

فاعل جمله قرار می‌دهیم. **مثال:**

You have studied English.

شما انگلیسی مطالعه کرده‌اید.

**Have** you studied English?

آیا شما انگلیسی مطالعه کرده‌اید؟

شکل خلاصه شده افعال:

I have = **I've**

He has = **He's**

You have = **You've**

We have = **We've**

They have = **They've**



## ۲. موارد استفاده زمان حال کامل (ماضی نقلی)



۱. می‌توان گفت که زمان حال کامل ترکیبی از حال و گذشته است و همیشه یک ارتباط قوی با زمان حال دارد و بیشتر در مکالمات، نامه‌ها، روزنامه‌ها و گزارشات مخابراتی به کار می‌رود.

۲. برای بیان عملی که در گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، از این زمان استفاده می‌شود. **مثال:**

Mina has studied **for 2 hours**.

مینا دو ساعت تا حالا مطالعه کرده است.

We have studied **since seven o'clock**.

ما از ساعت هفت تا حالا مطالعه کرده‌ایم.



**for** با طول زمان به کار می‌رود ولی **since** ، با مبدأ زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. **مثال:**

**since** seven o'clock

از ساعت هفت تا حالا

**since** yesterday

از دیروز تا حالا

**for** three days

به مدت سه روز (تا حالا)

**for** a week

به مدت یک هفته (تا حالا)

I have lived in Tehran **since 1380**.

من از سال ۱۳۸۰ تاکنون در تهران سکونت داشته‌ام.

Ali has worked here **for two years**.

علی دو سال تاکنون اینجا کار کرده است.

۳. زمان حال کامل با **just** (الآن، تازه) برای بیان عملی به کار می‌رود که چند لحظه پیش انجام شده است. **مثال:**

Henry has **just** come.

هنری همین الآن (همین الساعه) آمد.

"Where's George?" – "He **has just gone out**."

«جورج کجاست؟» – «او همین الآن بیرون رفت.»

۴. برای نشان دادن تعداد دفعات انجام یک کار از این زمان استفاده می‌شود. **مثال:**

Roya has seen that film **once**.

رؤیا یک بار آن فیلم را دیده است.

I have read this book **twice**.

من دوبار این کتاب را خوانده‌ام.

۵. کاری که در گذشته انجام شده اما باز هم احتمال وقوع آن است. **مثال:**

I have seen tigers in that forest.

در آن جنگل ببر دیده‌ام (یعنی امکان دارد باز هم در آنجا به ببر برخورد کنم).

۶. عبارت‌های قیدی زیر که به معنی «تاکنون» می‌باشند، معرف زمان حال کامل هستند.

so far

till now

untill now

up to now

up to day

Examples

مثال‌ها



We have learned eighteen lessons **so far**.

ما تاکنون هجده درس یاد گرفته‌ایم.

**Until now** I have never eaten sushi.

تاکنون هرگز سوشی نخورده‌ام.

**Up to now**, I have never seen such an stupid person.

تاکنون هرگز چنین آدم احمقی ندیده‌ام.

۷. با قیدهای زیر زمان حال کامل به کار می‌رود.

lately	اخیراً	recently	اخیراً
yet	هنوز	ever	تا بحال
already	همین الآن، تا حالا، قبلاً	never	هرگز، هیچ وقت



### Examples / مثالها

I haven't seen him **recently**.

اخیراً او را ندیده‌ام.

Hamid hasn't come **yet**.

حمید هنوز نیامده است.

Have you **ever** been to Canada?

آیا تاکنون به کانادا رفته‌ای؟

I've **never** been there.

من هرگز به آنجا نرفته‌ام.

He's **already** won three gold medals.

او تاکنون سه مدال طلا برده است.



### Comments / توضیحات

**الف) yet** در آخر جملات منفی یا سؤالی قرار می‌گیرد:

Has Tom telephoned **yet**?

هنوز تام تلفن نزده است؟

**ب) ever** قبل از اسم مفعول و بعد از **have / has** به کار می‌رود:

Have you **ever** been in a submarine?

آیا تاکنون در یک زیر دریایی بوده‌ای؟

**ج) معمولاً already** را بعد از **have / has** می‌آوریم. **already** در جمله‌های مثبت به کار می‌رود.

**۸.** با کلمه یا عبارتی که دلالت بر دوره‌ی ناتمامی در زمان گذشته کند (مانند **this week** , **today** , **this year** , **this month**) زمان حال کامل به کار می‌رود. **مثال:**

Have you seen Tom **today**?

آیا امروز تام را دیده‌ای؟ (= هر وقت از روز)

I haven't seen Jack **this week**.

این هفته جک را ندیده‌ام.

today (امروز)، this week (این هفته) و ... بیانگر این است که امروز، این هفته و ... هنوز

تمام نشده است.



## نکات ویژه / Special Tips



### نکته ۱



در موارد زیادی زمان حال کامل به صورت زمان حال ساده ترجمه می‌شود. **مثال:**  
**We've known** each other for a long time. (= **We're** old friends.)

مدت زیادی است که ما یکدیگر را می‌شناسیم. (= ما دوستان قدیمی هستیم).  
 She **has been** here for two hours. دو ساعت است که اینجا است.

### نکته ۲



زمان حال کامل را معمولاً برای بیان کارها و پیشامدهای تمام شده به کار می‌بریم. **مثال:**  
**Mary's had** her baby- it's a boy. بچه‌مری به دنیا آمد. - پسر است.

I'm delighted to tell you that **you've passed** your exam.  
 خوشحالم به شما بگویم که در امتحان قبول شده‌اید.

### نکته ۳



زمان حال کامل طبق الگوی زیر نیز به کار می‌رود:

زمان گذشته ساده + فاعل + **since** + زمان حال کامل

### مثال:

I have not seen her **since she left** the office. از زمانی که از دفتر رفت، او را ندیده‌ام.





با توجه به الگوی زیر می‌توان از زمان گذشته ساده یا حال کامل استفاده کرد:

زمان گذشته ساده یا حال کامل + **since** + قید زمان + **it is**

**مثال:**

It is four years **since** I (last) **saw** Helen. (= I last saw Helen three years ago.)

آخرین بار چهار سال پیش هلن را دیدم.

It is four years **since I have seen** Helen.

(= I haven't seen Helen for four years.)

چهار سال است که هلن را ندیده‌ام.



حال کامل طبق الگوی زیر نیز به کار می‌رود:

حال کامل + **ing** فعل + **since**

**مثال:**

**Since going** to Paris, he hasn't written to me.

از وقتی که به پاریس رفته، به من نامه ننوشته است.



به تفاوت دو ساختار گرامری زیر توجه کنید:

قید زمان + **last** + **since**

قید زمان + **the last** + **for**

**مثال:**

I have been here **since last week**.

از هفته پیش اینجا هستم. (هنوز یک هفته تمام نشده است.)

I have been here **for the last week**.

یک هفته است که اینجا هستم. (یک هفته کامل شده است.)

به کاربرد زمان حال کامل در لطیفه زیر توجه نمایید.

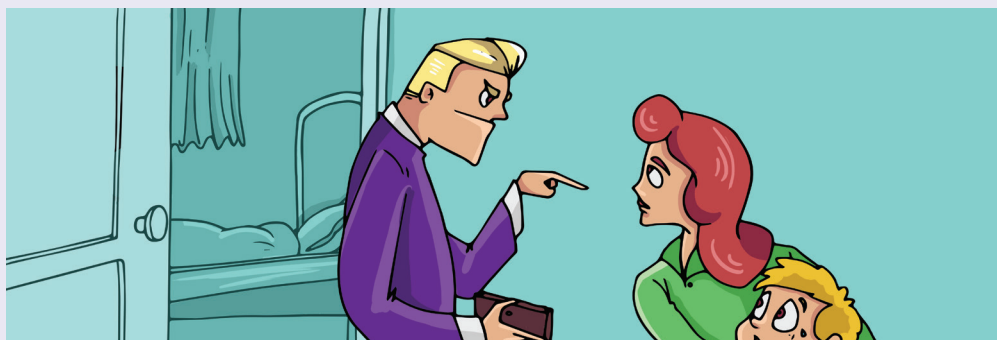


a Joke / لطیفه



**There is some money left !**

کمی پول باقی مانده است!



Father glanced at his wallet and then looked hard at his wife and son.  
 "That boy **has taken** some money." he said. "How can you be so sure? I might have done it." replied his wife.  
 Father shook his head and said, "No, you didn't. There is some money left."

پدر نگاهی به کیف پولش انداخت و بعد به همسر و پسرش خیره شده و گفت: « آن پسر مقداری پول از کیف من برداشته.»

همسرش جواب داد: چطور می توانی این قدر مطمئن باشی؟ ممکن است کار من بوده باشد.

پدر سرش را تکان داد و گفت: « نه، کار تو نیست. (چون) کمی پول در کیف باقی مانده. »



مکالمه / Conversation



- A:** What places have you seen so far?      تا حالا از چه جاهایی دیدن کرده‌ای؟  
**B:** I've been to almost all the museums.      تقریباً به تمام موزه‌ها رفته‌ام. (دیدن کرده‌ام).  
**A:** Have you gone to any parks yet?      هنوز به هیچ پارکی نرفته‌ای؟  
**B:** No, I haven't. I haven't had enough time for that.      نه، نرفته‌ام. برای این کار وقت کافی نداشته‌ام.

استاد چرا کلماتی مثل **recently** (اخیراً)، **ever** (تابه‌حال)، **yet** (هنوز) و ... معرف زمان حال کامل هستند؟



چون این کلمات قید زمان نامشخص هستند و یکی از تعریف‌های زمان حال کامل اینه که کار یا عمل در گذشته نامعینی اتفاق می‌افته.





فودآزمایی / Test Yourself

تمرین ۱



الف) در جاهای خالی since یا for قرار دهید.

1. .... six weeks
2. .... sunday
3. .... 1998
4. .... ten years
5. .... yesterday
6. .... five minutes
7. .... a long time
8. .... this morning

ب) در جاهای خالی از yet یا already استفاده کنید.

1. Martha hasn't called us ... .
2. They have ..... left.
3. Is it time for us to leave ..... ? No, not ... .
4. She has ..... bought the tickets for the game.
5. Has the meeting begun ..... ? No, not ... .
6. The plane has ..... left the airport.

تمرین ۲



هر جا لازم است زمان گذشته ساده یا زمان حال کامل را به کار ببرید.

1. Mr. Robinson ..... (go) to Chicago last week.
2. I ..... (read) that book several times.
3. I ..... (see) Kate a few days ago.
4. He ..... (be) ill since 1990.

5. She ..... (live) here for 20 years.
6. I ..... (be) here last night.
7. I ..... (visit) that museum twice.
8. Mr. Dale ..... (buy) a new car the other day.

## تمرین ۳



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. I ..... the book yet.
 

a) have finished	b) didn't finish
c) won't finish	d) haven't finished
2. I ..... Mary the other day.
 

a) saw	b) have seen
c) will see	d) see
3. We ..... each other for a long time.
 

a) know	b) knew
c) have known	d) will know
4. I haven't seen you ..... last month.
 

a) form	b) since
c) of	d) for
5. We ..... in Washington from 1995 to 2000.
 

a) live	b) will live
c) lived	d) have lived
6. Since coming here, however, he ..... as a clerk.
 

a) has worked	b) will work
c) is working	d) worked



5. since
6. for
7. for
8. since

(ب)

1. yet
2. already
3. yet / yet
4. already
5. yet / yet
6. already

### تمرین ۲



1. went
2. have read
3. saw
4. has been
5. has lived
6. was
7. have visited
8. bought

### تمرین ۳



۱. (d) کلمه yet بیانگر زمان حال کامل است و در انتهای جمله‌ی منفی یا سؤالی به کار می‌رود.

۲. (a) عبارت the other day (چند روز پیش) نشان‌دهنده‌ی زمان گذشته ساده است.

۳. (c) کلمه for همراه با طول زمان معرف زمان حال کامل است.

۴. (b) کلمه since با مبدأ زمان به کار می‌رود.

۵. (c) حرف اضافه from با سال، بیانگر زمان گذشته ساده است.

۶. (a) ing فعل + since معرف زمان حال کامل است.

۷. (d) مبدأ زمان + since بیانگر زمان حال کامل است.

۸. (b) چون بعد از when زمان گذشته ساده (saw) به کار رفته، لذا در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

### تمرین ۴



1. Jack has worked here since 1995.
2. Jim isn't here. He's just gone out.
3. I've read this book twice.
4. Has Peter come yet?
5. We have read eighteen lessons so far.



TIME FOR A BREAK  
زنگ تفریح

**The more sympathy you give, the less you need.**

*Malcoms Forbes*

هرچه همدردی را بیشتر ابراز کنید، خودتان کمتر به آن نیاز پیدا می‌کنید.

**مالکومز فوربز**



# فصل ۱۹

## مطالب این بخش:

- زمان حال استمراری
- موارد استفاده زمان حال کامل استمراری
- فرق زمان حال کامل و زمان حال کامل استمراری
- ترتیب صفات
- خودآزمایی





## ۱. زمان حال کامل استمراری / Present Perfect Continuous Tense

زمان حال کامل استمراری طبق الگوی زیر ساخته می‌شود:

**فاعل + have / has + been + فعل ing**

همانطوری که در الگوی فوق ملاحظه می‌کنید. زمان حال کامل استمراری از دو زمان حال کامل و استمراری تشکیل شده است.  
**مثال:** فعل **to work** (کار کردن) را در این زمان صرف می‌کنیم.

Singular	مفرد	Plural	جمع
I have been working.	من مشغول کار کردن بوده‌ام.	We have been working.	ما مشغول کار کردن بوده‌ایم.
You have been working.	تو مشغول کار کردن بوده‌ای.	You have been working.	شما مشغول کار کردن بوده‌اید.
He / She / has been working.	او / آن مشغول کار کردن بوده است.	They have been working.	آن‌ها مشغول کار کردن بوده‌اند.

به مثال‌های تصویری زیر توجه کنید:



**A:** How long have they been playing football? چه مدت آن‌ها مشغول بازی فوتبال بوده‌اند؟  
**B:** Since 5 o'clock. از ساعت ۵ تا حالا.

More Examples / مثال‌های بیشتر



You're out of breath. **Have you been running**. از نفس افتاده‌ای. داشتی می‌دویدی؟  
He **has been watching** television since 2 o'clock. او از ساعت ۲ تا حالا مشغول تماشای تلویزیون بوده است.

How long **have you been learning** English? چه مدت است که زبان انگلیسی می‌خوانی (یاد می‌گیری)؟

They **have been living** here for five years. آنها ۵ سال است که در اینجا زندگی می‌کنند.

طریقه منفی کردن زمان حال کامل استمراری

برای منفی کردن این زمان **not** را بعد از **has** یا **have** قرار می‌دهیم. مثال:

Martin has been studying English since 5 o'clock. مارتین از ساعت ۵ تا حالا مشغول مطالعه انگلیسی بوده است.

Martin has **not** been studying English since 5 o'clock. مارتین از ساعت ۵ تا حالا مشغول مطالعه انگلیسی نبوده است.

طریقه سؤالی کردن زمان حال کامل استمراری:

برای سؤالی کردن این زمان **has** یا **have** را قبل از فاعل در ابتدای جمله قرار می‌دهیم. مثال:

He has been working in this factory for six years. او شش سال است که در این کارخانه کار می‌کند.

**Has** he been working in this factory for six years? آیا او شش سال است که در این کارخانه کار می‌کند؟

۲. موارد استفاده زمان حال کامل استمراری



**الف -** این زمان را برای بیان عملی به کار می‌بریم که در گذشته شروع شده و تا زمان حال به صورت استمرار (بدون قطع) ادامه داشته است و ممکن است در آینده هم ادامه پیدا کند. مثال:

It has been raining for two hours. دو ساعت است که باران می‌بارد.

Betty has been watching TV since 5 o'clock. بتی از ساعت پنج تا حالا مشغول تماشای تلویزیون بوده است.

**for** و **since** بیانگر زمان حال کامل یا حال کامل استمراری هستند. **since** با مبدأ زمان و **for** با طول زمان به کار می‌رود.

ب- همچنین می‌توانیم این زمان را برای عملی که از یک دوره‌ای در زمان در گذشته تا حالا ادامه داشته است (مثل: از وقتی بچه بودم)، به کار ببریم. **مثال:**

I have been playing ping-pong since I was ten.

از وقتی ده ساله بودم، پینگ‌پنگ بازی می‌کنم.

بنابراین می‌توان گفت که **جمله‌واره‌ی گذشته ساده + فاعل + since**، بیانگر زمان حال کامل استمراری است.

پ- قیدهایی که با **all** یا **whole** همراه هستند، با این زمان به کار می‌روند. **مثال:**

Ali has been improving **all the week**.

در طول این هفته (تمام این هفته) حال علی رو به بهبودی بوده است.

ت- عبارتهای زیر معرف زمان حال کامل استمراری هستند:



طول زمان + **for + the past**  
طول زمان + **for the last**  
**all morning, all day**  
**for + now** + طول زمان



### مثالها:

Reza has been working here **for the past three years**.

رضا در سه سال گذشته اینجا مشغول کار بوده است.

I have been studying **for the last two hours**.

در دو ساعت گذشته مشغول مطالعه بوده‌ام.

David has been learning English **for eight months now**.

اکنون هشت ماه است که دیوید مشغول آموختن انگلیسی است.

ت - برای تأکید عملی که مدتی بدون وقفه ادامه داشته و به تازگی تمام شده است. **مثال:**

گریه کرده‌ای؟ چشمهایت قرمز است. **Have you been crying?** Your eyes are red.



### ۱۱. فرق زمان حال کامل و زمان حال کامل استمراری

① این دو زمان را معمولاً به جای هم به کار می‌برند، ولیکن در زمان حال کامل استمراری تأکید

بیشتری روی انجام عمل است و وقفه‌ای در انجام کار وجود ندارد. **مثال:**

I have worked here for 5 years.

پنج سال در اینجا کار کرده‌ام.

I have been working here for 5 years.

پنج سال است که اینجا کار می‌کنم. (کار به طور مستمر از گذشته تا حال ادامه دارد.)

② بعضی از فعل‌ها مانند **return** (پس دادن)، **finish** (تمام کردن)، **see** (دیدن)، **sit** (نشستن)،

**live** (زندگی کردن) به صورت استمراری به کار نمی‌روند، در این صورت بهتر است از زمان حال

کامل استمراری یا زمان حال کامل استفاده شود.

I **have been living** in Helen's flat for the last month.

در طول ماه گذشته در آپارتمان هلن زندگی می‌کرده‌ام.

We **have been sitting** in the waiting room since 5 o'clock.

از ساعت ۵ در اتاق انتظار نشسته‌ایم.

③ در جمله‌ای که یکی از کلمات مربوط به دفعات مانند **once** ، **twice** ، **three times** وجود دارد،

زمان حال کامل استمراری به کار نمی‌رود، چون کلمات فوق نشان‌دهنده‌ی وقفه در انجام عمل هستند.

④ زمان حال استمراری با کلمه پرسشی **How long** (چه مدت) مورد سؤالی واقع می‌شود. **مثال:**

How long have you been living in Shiraz?

چه مدت است که در شیراز زندگی می‌کنید؟

ث- زمان حال کامل استمراری را به ویژه برای کارها و موقعیت‌های موقتی به کار می‌بریم: هنگامی که

درباره‌ی وضعیت‌های پایدارتری صحبت کنیم، ترجیح می‌دهیم زمان حال کامل را به کار ببریم.

جمله‌های زیر را مقایسه کنید:

I've been living in Helen's flat for the last month.

در طول ماه گذشته در آپارتمان هلن زندگی می‌کرده‌ام.

My parents **have lived** in Bristol all their lives.

پدر و مادرم تمام عمرشان را در بریستول زندگی کرده‌اند.

That **man's been standing** on the corner all day.

آن مرد تمام روز را گوشه خیابان ایستاده است.

The castle **has stood** above the town for nine hundred years.

آن قلعه نهصد سال است که در بالای شهر قرار دارد.

ج- زمان حال کامل را اغلب برای بیان مفهوم تمام شدن یا تکمیل شدن به کار می‌بریم؛ یا برای

گفتن این که کاری تازه تمام شده است. یا برای صحبت درباره‌ی نتیجه‌ی آن.

زمان حال کامل استمراری بر تداوم آن کار تأکید دارد. جمله‌های زیر را مقایسه کنید:

**I've been reading** your book. (= I haven't finished it.)

کتاب شما را می‌خواندم. (= آن را تمام نکرده‌ام.)

**I've read** your book. (= I've finished it.)

کتاب شما را خوانده‌ام. (= آن را تمام کرده‌ام.)

## Order of Adjectives

## ۴- ترتیب صفات



گاهی بیش از یک صفت در جمله به کار می‌رود، در این صورت طبق الگوی زیر به کار می‌روند:



**determiner + quality + size + color**  
+ **nationality + material + noun**

اندازه + کیفیت + پیشرو اسم  
اسم + جنس + ملیت + رنگ



### مثال:

a nice long red French cotton blouse

کیفیت پیشرو اسم

اندازه

رنگ

ملیت

جنس

اسم

یک بلوز نخی فرانسوی بلند قرمز قشنگ

the modern large brick houses

پیشرو اسم

کیفیت

اندازه

جنس

اسم

خانه‌های آجری بزرگ جدید

صفتی که مهم‌تر هستند به اسم نزدیکتر می‌باشند. به عنوان مثال اگر لباسی بخریم، ابتدا به جنس و ملیت آن توجه می‌کنیم و بعد اندازه و کیفیت آن را در نظر می‌گیریم.



پیشرو اسم یا وابسته اسم، کلمه‌ای است که به همراه اسم به کار می‌رود و به نحوی معنای اسم را محدود می‌کند. مثلاً در انگلیسی می‌توان کلمات زیر را به صورت پیشرو اسم به کار برد:

**a pencil, the garden**

**this car, that car**

**her book, my car**

**some tea, some money**

**the first day, four chairs**

**الف -** حرف تعریفها مانند:

**ب -** کلمات اشاره:

**پ -** صفات ملکی:

**ث -** صفات مقدار

**ج -** عددها (شماره‌ها)

**کلمه‌ی یادسپار:** با توجه به عبارت رمزی زیر ترتیب قرار گرفتن صفات را به خاطر بسپارید:

### شکار مجاز

◀ در عبارت فوق ش = شماره، ک = کیفیت، ا = اندازه، ر = رنگ، م = ملیت، ج = جنس و ا = اسم.  
 ▶ حرف «ز» اضافی است.

### Special Tips / نکات ویژه



### نکته

صفت‌هایی مانند **new** (جدید)، **large** (بزرگ)، **round** (گرد)، **wooden** (چوبی) و غیره صفت‌هایی عینی هستند. این‌گونه صفت‌ها در مورد خصوصیات عینی موصوف (مثل رنگ، سن، اندازه و غیره) اطلاعاتی به ما می‌دهند. صفت‌هایی مانند **nice** (قشنگ)، **beautiful** (زیبا) صفت‌هایی ذهنی هستند. این قبیل صفت‌ها نظر و عقیده کسی را در مورد کسی یا چیزی بیان می‌کنند. صفت‌های ذهنی معمولاً پیش از صفت‌های عینی می‌آیند.

### صفت عینی + صفت ذهنی

### مثال:

a **nice sunny** day

an **intelligent young** man

a **beautiful large round wooden** table

یک روز آفتابی زیبا

یک مرد باهوش جوان

یک میز چوبی گرد بزرگ زیبا



صفات مربوط به سن یا قدمت قبل از صفات رنگ، جنس و ملیت قرار می‌گیرند.

رنگ + سن یا قدمت

**مثال:**

an **old white cotton** shirt  
سن رنگ جنس اسم

یک پیراهن نخی سفید کهنه

an **old Russian** song  
سن ملیت اسم

یک سرود قدیمی روسی



صفات‌های مربوط به اندازه و طول مانند long (دراز)، short (کوتاه)، tall (قد بلند)، small (کوچک)، big (بزرگ) و غیره معمولاً قبل از صفات‌های مربوط به شکل و عرض مانند wide (پهن)، thin (لاغر)، round (گرد) و غیره می‌آیند. **مثال:**

a **large round** table

یک میز گرد بزرگ

a **tall thin** girl

یک دختر لاغر بلندقد

a **long narrow** street

یک خیابان باریک دراز

استاد چرا beautiful قبل از sunny به کار می‌رود؟



صفات بیانگر عقیده یا صفات ذهنی مانند beautiful (زیبا)، nice (خوب، قشنگ)، excellent (عالی)، همیشه قبل از big (بزرگ)، small (کوچک) old (پیر)، young (جوان) قرار می‌گیرند.

واقعیت + عقیده

**مثال:**

a **nice** modern hotel

یک هتل جدید خوب

a **beautiful sunny** day

یک روز زیبای آفتابی



## More Examples / مثال‌های بیشتر



1. This beautiful Persian carpet is very expensive.

این فرش زیبای ایرانی خیلی گران است.

2. The large white cotton shirt was very old.

پیراهن نخی سفید بزرگ خیلی کهنه بود.

3. The young Indian history student got amused.

دانشجوی جوان تاریخ که اهل هندوستان بود، سرگرم شد.

4. The new blue Japanese cars will become cheaper.

اتومبیل‌های آبی جدید ژاپنی ارزان‌تر خواهند شد.

5. The dinner mother has made smells good.

شامی را که مادر درست کرده است، بوی خوبی می‌دهد.

6. The coffee made here ususally tastes very nice.

قهوه تهیه شده در اینجا معمولاً مزه عالی دارد.

7. Some of the children standing there look angry.

بعضی از بچه‌هایی که آنجا ایستاده‌اند، عصبانی به نظر می‌رسند.

8. Tom bought an expensive tennis racket yesterday.

تام دیروز یک راکت تنیس گران قیمت خرید.

9. My grandfather has an old wouden boat.

پدربزرگم یک قایق چوبی قدیمی دارد.

10. I have a brown and white Chinese writing desk.

من یک میز تحریر چینی قهوه‌ای و سفید دارم.



در جمله‌ی (۶) بعد از کلمه **coffee** عبارت **which is** و در جمله‌ی (۷) بعد از کلمه‌ی **children** عبارت **who are** حذف شده است.



## مکالمه / Conversation



**A:** Have you been living here very long?

مدت زیادی است که اینجا زندگی می‌کنی؟

**B:** No. I've only been here since last spring.

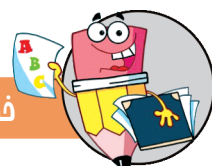
نه، از بهار گذشته (بهار پارسال) اینجا هستم (بوده‌ام).

**A:** Are you going to stay until Christmas?

تا کریسمس می‌خواهی بمونی؟

**B:** No. I'll probably leave for France in a month or two.

نه. یکی دو ماه دیگه عازم فرانسه میشم.



## فودآزمایی / Test Yourself

### تمرین ۱



جمله‌های زیر را از زمان حال کامل به زمان کامل استمراری تبدیل کنید.

1. They have talked for more than an hour.
2. He has slept for more than ten hours.
3. It has rained all day long.
4. He has studied English for many years.

5. I have traveled all over Europe.
6. We have used this textbook since January.
7. She has taught science for ten years.
8. They have lived in Dallas since 2012.

### تمرین ۲



صفت‌های داخل پرانتز را در جای مناسب قرار دهید.

1. a ..... (big beautiful) house
2. an ..... woman (young, intelligent)
3. a ..... test (easy, nice)
4. a ..... face cream (new, wonderful)
5. .... chairs (wooden, beautiful)
6. a ..... leather handbag (black, small)

### تمرین ۳



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. **Ali started studying English at 2 o'clock. Now it is 5. He .....**  
**English for 3 hours.**

a) had been studying	b) has been studying
c) is studying	d) was studying
2. **Hossein ..... English for the last two years, but he cannot speak English well.**

a) has been studying	b) had studied
c) has been studied	d) was studying
3. **They have been ..... tennis all afternoon.**

a) played	b) play
c) to play	d) playing

4. He ..... the whole afternoon.

- a) is shopping                      b) shops  
c) shopped                              d) has been shopping

5. In the cupboard, there are some ..... tea cups used for special occasions.

- a) small beautiful Egyptian    b) beautiful small Egyptian  
c) small Egyptian beautiful    d) Egyptian beautiful small

6. The ..... was very old.

- a) large cotton white shirt    b) cotton white large shirt  
c) large white cotton shirt    d) shirt large white cotton

7. The ..... was very happy.

- a) old English teacher            b) English old teacher  
c) English teacher old            d) teacher old English

8. They live in ... .

- a) a large wonderful house.    b) a wonderful large house  
c) wonderful large house        d) wonderful house large

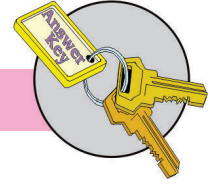
### تمرین ۳



معادل‌های انگلیسی جمله‌های زیر را بنویسید.

- ۱- آقای رابینسون مدت ده سال است که فیزیک تدریس می‌کند.
- ۲- بیست سال است که این‌جا زندگی می‌کنم.
- ۳- سه ساعت است که باران می‌بارد.
- ۴- تمام امروز را مشغول نقاشی آپارتمانم بوده‌ام.
- ۵- پیترو یک بلوز پشمی ایتالیایی بلند آبی قشنگ خرید.
- ۶- یک گربهٔ چاق بزرگ سیاه نزدیک درخت است.
- ۷- یک میز چوبی گرد در اتاق نشیمن هست.
- ۸- این‌ها کفش‌های ورزشی جدید عالی هستند.

## پاسخ فوآزمایی / Answer Key



### تمرین ۱



1. They have been talking for more than an hour.
2. He has been sleeping for more than ten hours.
3. It has been raining all day long.
4. He has been studying English for many years.
5. I have been traveling all over Europe.
6. We have been using this textbook since January.
7. She has been teaching science for ten years.
8. They have been living in Dallas since 2012.

### تمرین ۲



1. a beautiful big house
2. an intelligent young woman
3. a nice easy test
4. a wonderful new face cream
5. beautiful wooden chairs
6. a small leather handbag

یک خانهٔ بزرگ زیبا  
یک خانم باهوش جوان  
یک آزمون خوب آسان  
کرم صورت جدید عالی  
صندلی‌های چوبی زیبا  
یک کیف دستی چرمی کوچک

### تمرین ۳



- ۱- (b) که (طول زمان + for) بیانگر حال کامل استمراری است.
- ۲- (a) که (طول زمان + for + the last) بیانگر زمان حال کامل استمراری است.
- ۳- (d) که (قید زمان + all) بیانگر زمان حال کامل استمراری است.

- ۴- (d) که (قید زمان + whole) بیانگر زمان حال کامل استمراری است.  
 ۵- (b) که با توجه الگوی زیر گزینه (b) صحیح است.

اسم + جنس + ملیت + رنگ + اندازه + کیفیت +  
 پیشرو اسم (حرف تعریف، عدد و ...)

- ۶- (c) که با توجه به الگوی ترتیب صفات، گزینه (C) صحیح است.  
 ۷- (a) که old (پیر) که مربوط به سن است، قبل از صفت English قرار می‌گیرد.  
 ۸- (b) که صفت مربوط به عقیده (wonderful) قبل از صفت مربوط به واقعیت (large) قرار می‌گیرد.

### تمرین ۴



1. Mr. Robinson has been teaching for ten years.
2. I have been living here for twenty years.
3. It has been raining for three hours.
4. I've been painting my apartment all day.
5. Peter bought a nice long blue Italian woolen blouse.
6. There is a big fat cat near the tree.
7. There is a round wooden table in the living room.
8. These are wonderful modern sports shoes.



TIME FOR A BREAK  
 زنگ تفریح

**An apple a day keeps the doctor away.**

*Proverb*

روزی یک سیب بخور تا دکتر به سراغت نیاید.

ضرب‌المثل

# فصل ۲.

## مطالب این بخش:

- زمان گذشته کامل (ماضی بعید)
- موارد استفاده زمان گذشته کامل
- گذشته کامل استمراری
- موارد استفاده گذشته کامل استمراری
- خودآزمایی





## Past Perfect Tense / -ا زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

**تعریف:** این زمان برای بیان عملی به کار می‌رود که قبل از عمل دیگری در زمان گذشته صورت گرفته است.



Before Ted arrived, Jack **had washed** the car.

قبل از اینکه تَد برسد، جک اتومبیل را شسته بود.  
گذشته کامل

**طریقه‌ی ساختن گذشته کامل (ماضی بعید) در زبان فارسی:**

برای ساختن این زمان اسم مفعول (صفت مفعولی) را با ماضی **فعل بودن** (بودم - بودی - بود - بودیم - بودید - بودند) صرف می‌کنیم. به عنوان مثال ماضی بعید از مصدر **دیدن** چنین است:

دیده + بود + م ← دیده بودم



جمع	مفرد
دیده بودیم	دیده بودم
دیده بودید	دیده بودی
دیده بودند	دیده بود



**طریقه ساختن گذشته کامل در زبان انگلیسی:**

برای ساختن این زمان از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

اسم مفعول + **had** + فاعل

**مثال:** فعل **to play** (بازی کردن) را در این زمان صرف می‌کنیم:



Singular	مفرد	Plural	جمع
I had played.	من بازی کرده بودم.	We had played.	ما بازی کرده بودیم.
You had played.	تو بازی کرده بودی.	You had played.	شما بازی کرده بودید.
He had played.	او (مذکر) بازی کرده بود.	They had played.	آنها بازی کرده بودند.
She had played.	او (مؤنث) بازی کرده بود.		
It had played.	آن بازی کرده بود.		

### More Examples / مثال‌های بیشتر



He **had done** his work before we played.

قبل از اینکه بازی کنیم، او کارش را انجام داده بود.

I **had washed** the dishes before the guests came.

قبل از اینکه مهمان‌ها بیایند، ظرف‌ها را شسته بودم.

When Sarah arrived at the party, Paul **had** already **gone** home.

وقتی سارا به مهمانی رسید، پل قبلاً به خانه رفته بود.

#### طریقه منفی کردن زمان گذشته کامل:

برای منفی کردن این زمان **not** را بعد از **had** قرار می‌دهیم. **مثال:**

I had seen him.

من او را دیده بودم.

I had **not** seen him.

من او را ندیده بودم.

#### طریقه سؤالی کردن زمان گذشته کامل:

برای سؤالی کردن این زمان فعل کمکی **had** را قبل از فاعل جمله قرار می‌دهیم. **مثال:**

They had gone to school.

آنها به مدرسه رفته بودند.

**Had** they gone to school?

آیا آنها به مدرسه رفته بودند؟



## ۲- موارد استفاده زمان گذشته کامل

این زمان طبق الگوهای زیر به کار می‌رود:

گذشته کامل + گذشته ساده + **before**  
گذشته ساده + **before** + گذشته کامل



مثال:

**Before** you came, I **had played** football. =

قبل از اینکه شما بیایید، من فوتبال بازی کرده بودم. **I had played football** before you came.



با تغییر جای دو جمله‌واره، ویرگول (کاما) حذف می‌شود.



در این الگو، فعل گذشته ساده، در زبان فارسی به صورت حال ساده ترجمه می‌شود:

Before you came ...

قبل از اینکه بیایید ...

گذشته ساده + ماضی بعید + **after**  
ماضی بعید + **after** + گذشته ساده

مثال:

**After** Peter **had done** his homework, he **watched** TV.

بعد از اینکه پیتر تکالیفش را انجام داد، تلویزیون تماشا کرد.

ماضی بعید + **because** + گذشته ساده

مثال:

George was tired because he **had worked** hard.

جورج خسته بود چونکه سخت کار کرده بود.

ماضی بعید / گذشته استمراری + گذشته ساده + **when**  
 گذشته ساده + **when** + ماضی بعید / گذشته استمراری



مثال:

The teacher **had begun** the lesson **when** Arash entered the class.

وقتی آرش وارد کلاس شد، معلم درس را شروع کرده بود.

ماضی بعید + فعل گذشته + فاعل + **By the time**  
 فعل گذشته + فاعل + **by the time** + ماضی بعید



مثال:

**By the time** we arrived, they **had** already **gone**.

قبل از این که ما برسیم، آن‌ها قبلاً رفته بودند.

ماضی بعید + قید زمان گذشته + **By**  
 قید زمان گذشته + **by** + ماضی بعید



مثال:

I **had learned** a lot of words **by the end of last year**.

تا پایان سال گذشته لغات زیادی گرفته بودم.



هرگاه دربارهٔ زمان گذشته صحبت کنیم، برای اشاره به یک زمان در گذشتهٔ دورتر، یعنی برای صحبت دربارهٔ چیزهایی که پیش از زمانی که ما دربارهٔ آن صحبت می‌کنیم رخ داده‌اند، ماضی بعید را به کار می‌بریم. مثال:

I **explained** that I **had forgotten** my keys.

توضیح دادم که کلیدهایم را جا گذاشته‌ام.

I **could see** from his face that he **had received** bad news.

از چهره‌اش می‌خواندم که خبر بدی دریافت کرده است.



وقتی دو عمل در زمان گذشته همزمان انجام شود، در دو طرف جمله از گذشته ساده استفاده می‌شود. **مثال:**  
When I **got** to my office, my friend **called** me.

هنگامی که وارد دفترم شدم، دوستم زنگ زد.



هرگاه بعد از **when** زمان ماضی بعید به کار ببریم مفهومش این است که ابتدا عمل اول تمام شده و سپس عمل دوم شروع شده است. **مثال:**

**When** she **had washed** the dishes, she turned on the computer.

هنگامی که ظرف‌ها را شست، کامپیوتر را روشن کرد.

## ۱۳- زمان گذشته کامل استمراری (ماضی بعید استمراری)

### Past Perfect Continuous Tense



طرز ساختن:

فعل ing + been + had + فعل

Singular	مفرد	Plural	جمع
I had been working.		We had been working.	
	من مشغول کار کردن بودم.		ما مشغول کار کردن بودیم.
You had been working.		You had been working.	
	تو مشغول کار کردن بودی.		شما مشغول کار کردن بودید.
He / She / It had been working.		They had been working.	
	او / آن مشغول کار کردن بود.		آنها مشغول کار کردن بودند.

More Examples / مثال‌های بیشتر



When I looked out of the window, it **had been raining**.

وقتی که از پنجره بیرون را نگاه کردم، باران باریده بود.

When I called Tom, he **had been painting** his room.

هنگامی که به تام زنگ زدم، اتاقش را رنگ زده بود.



طریقه منفی کردن زمان گذشته کامل استمراری

برای منفی کردن این زمان، قید **not** را بعد از فعل کمکی **had** قرار می‌دهیم. **مثال:**

I had been walking.

من مشغول قدم زدن بودم.

I had **not** been walking.

من مشغول قدم زدن نبودم.



طریقه سؤالی کردن زمان گذشته کامل استمراری:

برای سؤالی کردن این زمان، فعل کمکی **had** را قبل از فاعل جمله قرار می‌دهیم:

Had + فاعل + been + فعل ing ...?

She had been walking.

او مشغول قدم زدن بود.

**Had** she been walking?

آیا او مشغول قدم زدن بود.



۴- موارد استفاده گذشته کامل استمراری

۱- برای بیان طول انجام عملی که در گذشته قبل از عمل دیگر صورت گرفته است.

Peter had been working in Paris for six years before he came to London.

پیتر قبل از این که به لندن بیاید، مدت شش سال در پاریس کار می‌کرد.

۲- برای بیان عملی که به تازگی قبل از عمل دیگر در گذشته صورت گرفته است. **مثال:**

He looked tired because he had been running for six hours.

او خسته به نظر می‌رسید چون که شش ساعت دویده بود.



با توجه به الگوهای از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می‌شود:

1. Before / When + گذشته ساده + گذشته کامل استمراری + طول زمان + for
2. After + گذشته ساده + طول زمان + for + گذشته کامل استمراری

**مثال:**

When she **arrived** I **had been waiting** for three hours.

وقتی که او رسید، ساعت سه بود که من منتظر مانده بودم.

Tom **had been living** in Japan **for five years before he moved to** China.

تام قبل از نقل مکان به چین به مدت پنج سال در ژاپن زندگی کرده بود.

استاد، می‌تونیم فعل know رو به صورت گذشته کامل استمراری به کار ببریم؟



نه، بعضی فعل‌ها رو مثل like, understand, know و ... نمی‌تونیم به صورت این زمان به کار ببریم. **مثال:**

I **felt** as if I **had known** her all my life.

(نه: ... I had been knowing ...)

احساس کردم که او را تمام عمرم می‌شناختم.



## Conversation / مکالمه



**A:** Was James at the party?

جیمز در مهمانی بود؟

**B:** No, he had already left.

نه، اون قبلاً رفته بود.

**A:** Did you enjoy yourself?

خوش گذشت؟

**B:** Yes, I did.

بله، خوش گذشت.

## Test Yourself / خودآزمایی



### تمرین ۱



در جاهای خالی شکل درست افعال داخل پرانتزها را بنویسید.

1. I decided to go to the park because I ..... (finish) my homework.
2. He was tired because he ..... (work) hard all day long.
3. Carla ..... (leave) by the time we arrived.
4. I ..... (feel) that I had met the man somewhere before.
5. I was sure that I ..... (see) the woman before.

6. The police ..... (report) that they finally had captured the thief.
7. Helen said that she ..... (see) that movie before.
8. He ..... (know) that he had made a serious mistake.
9. He asked me why I ..... (leave) the party so early.
10. I ..... (see) that we had taken the wrong road.

### تمرین ۲



زمان گذشته کامل استمراری افعال داخل پرانتزها را به کار ببرید.

1. I ..... (wait) in the park for one hour before she came.
2. He ..... (try) to pass the test.
3. When she arrived I ..... (do) my work for two hours.
4. I realized that I ..... (overwork), so I decided to take a couple of days holiday.
5. He ..... (ring) the bell for two minutes before we opened the door.
6. He ..... (look) for a car six months before he found one he liked.

### تمرین ۳



گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. **Had she washed the dishes before the guests ... ?**

a) had left	b) left
c) leave	d) has left
2. **She didn't go to the party because they ... her.**

a) hadn't invited	b) won't invite
c) don't invite	d) didn't invite



3. After Tom ... his homework, he watched TV.
  - a) did
  - b) does
  - c) was doing
  - d) had done
  
4. When JI telephoned him, he ... there for two weeks.
  - a) has been
  - b) had been
  - c) is
  - d) was
  
5. She ... for six years before she tried out for the Olympics last year.
  - a) was competing
  - b) had been competing
  - c) has competed
  - d) has been competing
  
6. He looked tired because he ... for six hours.
  - a) had been running
  - b) would run
  - c) was running
  - d) has run
  
7. I ... in the park for two hours before he came.
  - a) have been waiting
  - b) was waiting
  - c) have waited
  - d) had been waiting
  
8. Peter ... in New York for six years before he moved to California.
  - a) has lived
  - b) had been living
  - c) will be living
  - d) was living

### تمرین ۴

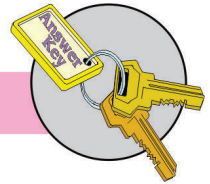


معادل‌های انگلیسی جمله‌های زیر را بنویسید.

- ۱- قبل از این که آن‌ها برسند، ظرف‌ها را شسته بودم.
- ۲- هلن بعد از این که اتاق را تمیز کرد، استراحت کرد.
- ۳- تام گفت ناهارش را خورده است.

- ۴- پیتر خوشحال بود چون در امتحان قبول شده بود.  
 ۵- هنگامی که به جین زنگ زد، ظرفها را شسته بود.  
 ۶- هنگامی که آقای جونز بالاخره سیگار را ترک کرد، بیست سال بود که سیگار می کشید.  
 ۷- هنگامی که از پنجره بیرون را نگاه کردم ، باران باریده بود.  
 ۸- دیشب وقتی که هلن به من زنگ زد، یک ساعت بود که خوابیده بودم؟

## پاسخ فودآزمایی / Answer Key



### تمرین ۱



1. had finished
2. had worked
3. had left
4. felt
5. had seen
6. reported
7. had seen
8. knew
9. had left
10. saw

### تمرین ۲



1. had been waiting
2. had been trying

3. had been doing
4. had been overworking
5. had been ringing
6. had been looking

### تمرین ۳



- ۱- (b) که چون در قسمت اول جمله ماضی بعید به کار رفته است، بنابراین بعد از **before** از گذشته ساده استفاده می‌شود.
- ۲- (a) که چون در طرف اول جمله زمان گذشته ساده به کار رفته است، بنابراین بعد از **because** از ماضی بعید استفاده می‌شود.
- ۳- (d) که چون در طرف دوم جمله زمان گذشته ساده (**washed**) به کار رفته است، لذا در طرف اول جمله، بعد از کلمه‌ی **after** (بعد از اینکه) ماضی بعید به کار می‌رود.
- ۴- (b) که چون بعد از **when** زمان گذشته ساده، به کار رفته است، لذا در طرف دیگر جمله از ماضی بعید استفاده می‌شود.
- ۵- (b) که با توجه به الگوی زیر در جای خالی از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می‌کنیم:

گذشته ساده + **before** + طول زمان + **for** + گذشته کامل استمراری

- ۶- (a) که با توجه به کلمه‌ی **because** و طول زمان + **for**، از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می‌کنیم.
- ۷- (d) که با توجه به طول زمان + **for** و گذشته ساده + **before**، در جای خالی از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می‌شود.
- ۸- (b) که به توضیحات تست (۶) مراجعه کنید.



1. Before they arrived, I had washed the dishes.
2. After Helen had cleaned the room, she rested.
3. Tom said he had eaten his lunch.
4. Peter was happy because he had passed the exam.
5. When I called Jane, she had been washing the dishes.
6. Mr. Jones had been smoking for 20 years when he finally gave it up.
7. When I looked out of the window, it had been raining.
8. When Helen called me last night, I had been sleeping for one hour.



TIME FOR A BREAK  
زنگ تفریح

**Whilst angry, forbearance is the most  
difficult but worthiest deed.**

*Socate*

بردباری در زمان خشم مشکل‌ترین ولی با ارزش‌ترین کارهاست.

**سقراط**